

وام یک میلیارد دلاری ایتالیابه ایران

در تهران رئیس گروه بازسازی صنایع ایتالیا با مهندس ترکان وزیر دفاع دیدار کرد. در این دیدار تاکید شد که ایتالیا تجهیزات نظامی به ایران ارسال خواهد کرد.

رئیس گروه بازسازی صنایع ایتالیا در اسبانی ۵۰ نفره از مقامات و کارشناسان ایتالیایی وارد تهران شد. این هیات در تهران با برخی از دولتمردان ایرانی و از جمله با تنی چند از وزیران دولت رفسنجانی دیدار داشت. در جریان سفر این هیات اعلام شد که از جانب ایتالیا وامی به مبلغ یک میلیارد دلار در اختیار ایران قرار می گیرد.

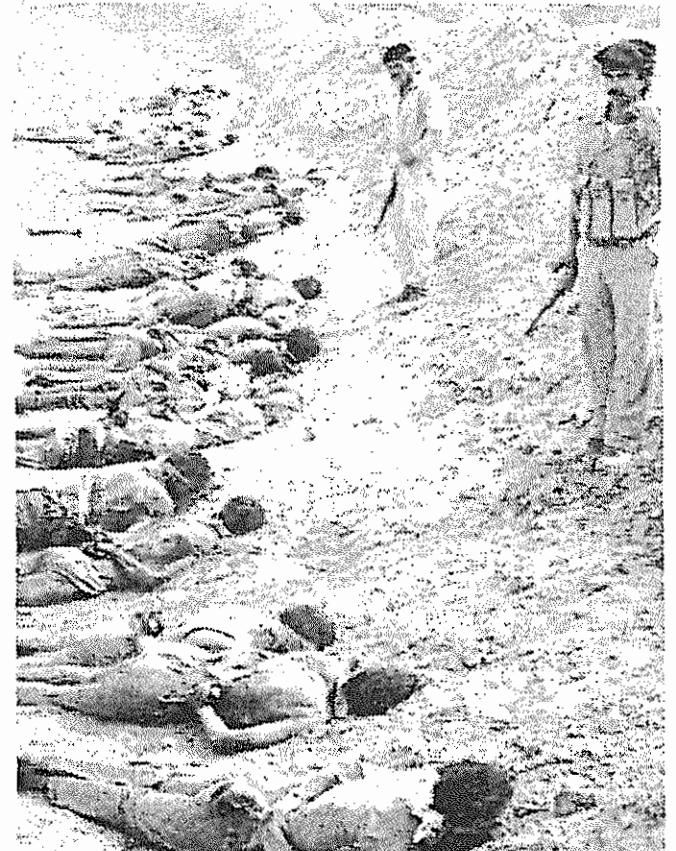
پیرامون مناسبات ایران و عراق

و خامت روز افزون مناسبات جمهوری اسلامی و رژیم صدام حسین که با شروع دوباره جنگ سرد بین آنها همراه شده است. سرنوشت صلح و تامین امنیت در مرزهای مشترک دو کشور را در ابهام فرو برده است. نگاهی کوتاه به تاریخچه پر فراز و نشیب این مناسبات پس از قطع جنگ و به ویژه در دوره ۱۰ ماهه بحران خلیج فارس، حاکی از آن است که هر دو رژیم به جای اتخاذ یک سیاست واقع گرایانه مبتنی بر تامین صلح بین دو کشور، به ماجراجویی‌ها و تلاش‌های آشکار و پنهان جاه طلبانه برای تحقق سیاست‌های تجاوزکارانه مالیخولیایی خود مشغول بوده‌اند و در پی تحقق این اهداف نه تنها مناسبات دو کشور را به شدت تیره ساخته‌اند، بلکه بار دیگر مناطق مرزی را به آشوب کشانده‌اند.

بعد از اشغال کویت، صدام حسین به منظور آسوده شدن از جبهه شرقی و یا هدف کشاندن جمهوری اسلامی به حمایت از اهداف اشغالگرانه خود، ظاهراً شرایط حکومت اسلامی و قطعنامه ۵۹۸ را برای صلح را پذیرفت. از همان زمان روشن بود که عقب نشینی صدام حسین همدتایک تاکتیک سیاسی برای تجاوزی تازه در منطقه و جلب حمایت جمهوری اسلامی از این تجاوز است، و موارد بسیاری از اختلافات هنوز باقی است. جمهوری اسلامی از این عقب نشینی استقبال کرد و در همین حال در موارد اختلاف از جمله تعیین خط مرزی در شطالعرب سکوت کرد.

از آن به بعد یک دوره ۱۱ ماهه "ماه مهمل" در روابط تهران و بغداد آغاز شد. جمهوری اسلامی بر اثر فشار جناح تندرو که یک شبه هیبت خالد بن ولید را در چهره دیکتاتور عراق تشخیص داده بود و به ویژه با پیشنهادات اقوا کننده صدام حسین در مورد شریک کردن حکومت اسلامی بر ستره رنگین به یغمارفته کویت، تا آنجا به عراق نزدیک شد که نگرانی‌های بسیاری را برانگیخت. با وجود تکذیب‌های مکرر مقامات اسلامی، اکنون روشن شده است که صدام حسین حتی قبل از اشغال کویت صریح یا مضمهر جمهوری اسلامی را در جریان نقشه خود قرار داده و پیشنهاد داده بود در تبال عدم مخالفت ایران با این تجاوز، قطعنامه ۵۹۸ را بپذیرد و امتیازات دیگری بدهد. از پاسخ جمهوری اسلامی

بقیه در صفحه ۲



این عکس از طرف مقامات عراقی منتشر شده است. آنان مدعی‌اند ترابانیان مزبور که سرباز و غیر نظامی عراقی‌اند، بوسیله پاسداران ایرانی که به حمایت شیعیان عراق رفته بودند، با شلیک تیری در سر اعدام شده‌اند.

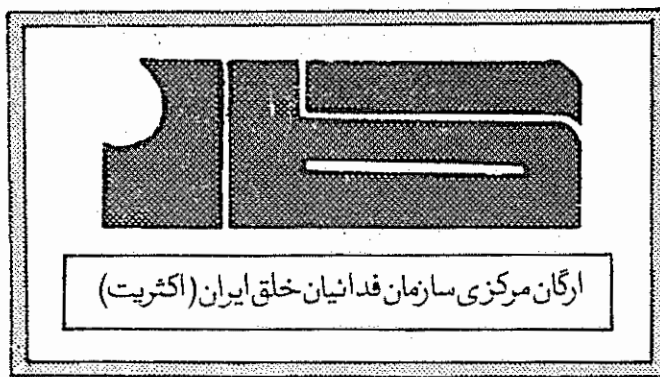
فرش نفت در سواحل قشم و بندر عباس

روز یکشنبه ۲۹ فروردین خبرگزاری هاگزارش کردند که یک فرش نفتی بوسعت ۷۰ کیلومتر مربع آبهای بین جزیره قشم و بندر عباس را پوشانده است. این فرش نفتی از تاسیسات نفتی کویت و بدنبال اشغال این کشور توسط عراق، در جریان جنگ، به آبهای خلیج فارس سرازیر شد. همچنانکه پیش‌بینی می‌شد جریان آب و مسیر باد این فرش نفتی را بسوی سواحل ایران بحرکت درآورده است. پوشیده شدن آب دریا از نفت، خطری بسیار جدی برای محیط زیست محسوب شده باعث از میان رفتن آبزیان، بروز انواع بیماری‌ها بویژه بیماری‌های تنفسی در انسانها و از میان رفتن منابع تغذیه آنان می‌گردد. با وجود اثرات مملک‌آلوده شدن محیط زیست نفت، تاکنون هیچ‌گونه اقدام جدی برای جمع آوری نفت گسترش یافته بر سطح آبهای خلیج فارس، صورت نگرفته است.

مساله غرامت و قطعنامه ۵۹۸

با وجود اظهارات دکتر ولایتی، به گزارش‌رادیو ایران آقای رفسنجانی در آخرین گفتگوی تلفنی با صدراعظم آلمان در روز ۲۵ اردیبهشت، اجرای بند ۲ قطعنامه راه‌معنای اخذ فرامت از عراق دانست که وصول آن باید مطالبه شود.

دکتر ولایتی وزیر امور خارجه طی یک سخنرانی در روز ۱۷ اردیبهشت اظهار داشت مطالبه فرامت از عراق بابت خسارات ناشی از جنگ "بنیادی قطعنامه‌ای ندارد و بند ششم قطعنامه ۵۹۸ نیز که می‌تواند مدخلی برای ورود به این بحث باشد، به فرامت اشاره نمی‌کند."



ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه اول خرداد ماه ۱۳۷۰
۲۲ ماه مه ۱۹۹۱ دوره سوم - شماره ۷

موج بازگشت در میان آوارگان کرد

مسعود بارزانی: از خواست تضمین بین المللی، صرف نظر کرده‌ایم

دو طرف به یکدیگر است. " در هفته گذشته موج بازگشت در میان آوارگان کرد بالا گرفت. اردوگاه‌های بر پا شده در شمال عراق از سوی آمریکا و متعین، کاملاً پر شده‌اند. چادرهای برپا شده کفایت نمی‌کنند. هر روزه گاه تا ۱۰۰۰۰ نفر از کوهستان‌های مرزی ترکیه و عراق و نیز از ایران به سوی این اردوگاه‌ها رو می‌آورند. در شهر زاخو ۵۲۰۰۰ آواره کرد جا گرفته‌اند. غالب آوارگان هنوز راقب به بازگشت به خانه و کاشانه خود نیستند و تنها در اردوگاه‌ها احساس امنیت می‌کنند. دولت عراق در حال مذاکره با سازمان ملل است تا مناطق تمرکز آوارگان تحت نظارت این سازمان قرار

برای بازگشت امن به کشور!

در صفحه ۲

سرسختی اسرائیل در برابر تلاش‌های آمریکا و شوروی

عیرغم تلاش‌های وزرای خارجه آمریکا و شوروی برای دستیابی به سازشی میان اعراب و اسرائیل در مورد نحوه تشکیل کنفرانس صلح، هنوز چشم‌اندازی برای توافق وجود ندارد. جیمز بیکر و الکساندر بسترمتیخ هفته گذشته سفرهای مکرری به پایتخت‌های اسرائیل و شوروی انجام دادند. جیمز بیکر در اسرائیل موافقت نخست وزیر این کشور را با فرمول "صلح به ازای زمین" و با شرکت سازمان ملل متحد در کنفرانس صلح جلب کند. بیکر در پایان دیدار خود از اسرائیل گفت هنوز میان اسرائیل و شوروی در این مورد اختلاف نظر وجود دارد. شوروی خواهان شرکت رسمی سازمان ملل در کنفرانس صلح است اما اسرائیل با این خواست مخالفت می‌کند.

بیکر پیش از ورود به اسرائیل بر سر راه خود از امان پایتخت اردن به بیت‌المقدس، از کرانه غربی اشغالی رود اردن دیدار کرد. وی در جریان این دیدار ملاقاتی با یک هیات فلسطینی به ریاست فیصل الحسینی داشت. الحسینی اظهار داشت تاکنون فلسطینی‌ها برای تحقق راه حل صلح آمیز، انعطاف زیادی از خود نشان داده‌اند. وی مردم اسرائیل را فراخواند دولت خود را اداره انعطاف در مذاکرات بایکری کنند. بقیه در صفحه آخر

رفسنجانی در گفتگو با دانشجویان:

* بخاطر جنگ ده سال عقب مانده‌ایم.

* نهضت آزادی غیر قانونی است

* راه حل عراق پذیرش انتخابات آزاد

به سبک ایران است!

در صفحه ۵

افزایش فشار بر جویندگان ایرانی کار در ژاپن

طی یک هفته ۸۱ ایرانی از ژاپن اخراج شدند

وقتی که جوانان جویای کار به ترتیب خود را به ژاپن رساندند و از سد پلیس نیز گذشتند از طریق دلالتی که منتظر آنها هستند محلی برای کار می‌یابند، کاری که البته شاق و کمر شکن است. دلالتا بخشی از درآمد آنها را از کار، بخود تخصیص می‌دهند. سمم دلالتا بالاست و قریب یک سوم مزد روزانه کارگران را شامل

بقیه در صفحه ۵

قریب ۵۰۰ هزار تومان می‌شود که طبعاً بسیاری از جوانان بیکار ناکه آن هستند. آنها برای تامین این سرمایه به رباخوارها مراجعه می‌کنند و با گرو گذاشتن اموال خانواده خود و پذیرش بهره بیش از ۵۰ درصد زمینه سفر را فراهم می‌کنند. از آنجا که تعداد جویندگان کار هم‌از ژاپن بسیار زیاد است. هر یک از آنها باید برای یافتن جا در یکی از خطوط هوایی مدتاً منتظر بمانند.

جویندگان ایرانی کار در ژاپن با تشدید فشار و ممانعت پلیس این کشور مواجه شده‌اند. در ماه گذشته عده بسیاری از آنها بهانه‌های گوناگون بازداشت و از این کشور اخراج شدند. دسته‌ای از آنها اجازه ورود نیافتند و از همان فرودگاه بازگردانده شدند. در ماه گذشته تنها طی یک هفته ۸۱ ایرانی از ژاپن اخراج گردیدند. اتمام ۵۵ تن از اخراج شدگان اقامت بیش از حد مجاز اعلام گردید. ۲۶ تن دیگر کسانی بودند که با تحمل هزینه گزاف و انتظار طولانی برای تهیه بلیط هواپیما بالاخره خود را به فرودگاه ژاپن رساندند اما پلیس ژاپن بدون طرح هیچ دلیلی به آنها اجازه ورود نداد.

جویندگان ایرانی کار در ژاپن آن دسته از جوانان بیکار هستند که همه تلاش‌هایشان برای یافتن کار و گذران زندگی در میهن به نتیجه ای نیانجامیده و ناگزیر متوجه خارج کشور شده‌اند. از میان کشورهای جهان ژاپن تنها کشوری است که رونق اقتصادی و زمینه کار دارد و در همین حال مسافرت ایرانیان محدودیت تهیه ویزا از سفارت این کشور در تهران وجود ندارد. مسافرت ایرانی باید هنگام ورود به ژاپن بلیط بازگشت و مقداری ارز خارجی که با هزینه طولی اقامتشان متناسب باشد همراه داشته باشند. در شرایط کنونی سرمایه لازم برای تهیه بلیط و ارز برای هر مسافر ایرانی به ژاپن،

اعدام‌های دسته جمعی

تا کی؟

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی روز چهارشنبه گذشته ۴۶ نفر به جرم شرکت در قاچاق مواد مخدر در دوشهر به دار آویخته شدند. ۴۱ نفر از این افراد در مشهد و ۵ تن بقیه در کاشان دار زده شدند. در میان اعدام شدگان یک نفر زن وجود داشت و ۲۲ نفر از آنان نیز تابعیت افغانی داشته‌اند. به نوشته روزنامه‌های تهران، پیش از اعدام متهمین در شهر کاشان، گروه بزرگی از مردم شهر در اعتراض به اعدام‌ها، مقابل زندان کاشان اجتماع کردند و به آتش زدن لاستیک اتوموبیل‌ها و شکستن شیشه مغازه‌ها پرداختند. روزنامه‌هایی که

خبر فوق را منعکس کردند، از انگیزه مردم معترض اطلاعی به دست ندادند.

اکنون بیش از ۲ سال است که رژیم باخشونت بی‌سابقه به اعدام‌های گسترده‌ای تحت پوشش مبارزه با قاچاق مواد مخدر دست زده‌است. طی این مدت نزدیک به ۲ هزار تن اعدام شده‌اند. اما علیرغم این، جمهوری اسلامی موفقیت چشمگیری در مبارزه با قاچاق مواد مخدر به دست نیآورده و وجود باندهای متعدد کوچک و بزرگی که هر چند روز خبر اعدام یکی از آنان منتشر

بقیه در صفحه ۵

پیرامون مناسبات ایران و عراق

بته از صحنه اول

اطلاعی در دست نیست، سیاست نزدیکی جمهوری اسلامی به عراق دیری نپائید، همراه با تشدید فشارهای بین المللی که شکست صدام حسین را به تدریج قطعی تر می سازد و ماندن در کنار او را بی فایده تر، و هشدارهای مکرر دولت های خارجی، جمهوری اسلامی خود را از درگیر ساختن در ماجراجویی های صدام حسین کنار کشید و سیاست درست بیطرفی را پیشه کرد.

دوره "ماه هسل" در روابط دو رژیم همزمان با شکست صدام حسین در جنگ، آغاز قیام در آن کشور و سپس سرکوب آن، پایان یافت. حکومت تهران فرصت طلبانه تغییر سیاست داد و به دخالت آشکار در امور داخلی عراق پرداخت. و جمهوری اسلامی مستقیماً و یا توسط عوامل خود به تحریکات گسترده ای دست زد. اوج این سیاست تجاوزکارانه، دخالت های مستقیم نظامی در جریان جنگ های داخلی عراق بود. این دخالت ها به ویژه در جنوب، در منطقه شیعه نشین، شدید و گسترده بود و پاسداران جمهوری اسلامی مسلح به تسلیحات سبک، با شکستن مرز به جنگ با نیروهای ارتش عراق اعزام شدند. این اقدامات صدام حسین را به واکنش متقابل به ویژه در جریان تعقیب آوارگان تا داخل خاک ایران برانگیخت. دو رژیم به طور مداوم یکدیگر را به نقض مقررات آتش بس و دخالت های نظامی متهم ساختند. اکنون علاوه بر تیرگی شدید مناسبات سیاسی و رسمی، وضعیت در مناطق مرزی دو کشور متشنج تر شده است. اهداف توسعه طلبانه و نقشه های اشغالگرانه صدام حسین، آرزوهای او برای تبدیل شدن به ابر قدرتی تجاوز کار در منطقه و تسلط یافتن بر بخش های جنوب شرقی و مناطق نفت خیز ایران و بالاخره ادعاهای او بر شط العرب بر کسی پوشیده نیست و لزوم هشاری در برابر این دیکتاتور متجاوز همواره به جای خود باقی است. اما رژیم بغداد پس از شکست خرد کننده در جنگ و فشارهای شدید بین المللی در شرایطی نیست که بتواند به ماجراجویی خطرناکی علیه ایران اقدام کند و از تشنج میان دو کشور سود ببرد. به عکس، سران رژیم تهران که رقیب و دشمن دیرینه خود را در موقعیتی ضعیف و ناتوان یافته اند، در صدد بهره گیری نامشروع از اوضاع آشفته داخلی عراق هستند. طی هفته های اخیر رژیم تهران با طرح تدریجی خواسته هایی فراتر از قطعنامه ۵۹۸ و ابطدور رژیم را وخیم تر کرده است.

مقامات تهران برخلاف قول و قرارهای قبلی آمار درونی در مورد هواییهای عراق مستقر در ایران ارایه داده اند که به معنای مصادره عملی بخش اعظم این هواییهاست. طی روزهای اخیر و به ویژه در دیدار با مقامات آلمانی، سران رژیم تهران مجدداً مسئله دریافت فرامت جنگی از عراق را پیش کشیده اند و این در شرایطی است که بنا به گفته ولایتی وزیر خارجه اسلامی چنین خواستی "مبنای قطعنامه ای" ندارد و در قطعنامه ۵۹۸ طرح نشده است. و طرح موضوع فرامت در این موقعیت صرفاً به منظور حفظ تشنج در عراق و ستیز با صدام صورت میگیرد.

جمهوری اسلامی از ادامه محاصره اقتصادی عراق تا سقوط صدام حسین حمایت می کند و هملا به ادامه فقر و گرسنگی مردم و ویرانی کشور همسایه یاری می رساند. حکومت تهران با خود مختاری در کردستان عراق به تقابل و دشمنی برخاسته و شعار انتخابات آزاد در آن کشور را که خواست نیر و های دمکراتیک است، به تعبیری خود فرزانه از جمله برای لو ت کردن حق خود مختاری کردهای عراقی به کار گرفته است.

با توجه به مجموعه این سیاست ها می توان گفت که رژیم تهران سیاست خود را بر پایه دخالت های آشکار و پنهان در امور داخلی عراق به منظور پیشبرد اهداف خود قرار داده و در راستای این هدف از تضعیف بنیه اقتصادی عراق ناخرسند نیست و سیاست هایی را مورد حمایت قرار می دهد، که قبل از ضربه زدن به صدام حسین، علیه مردم عراق و منافع آنهاست. ابعاد این سیاست ها وقتی روشن می شود که آنها را در پرتو فشارهای کمر شکن کنونی به آن کشور در نظر گرفت، اکنون کشورهای پیروز به سرکردگی آمریکا مردم این کشور را به خاطر خیانت های صدام مجازات می کنند. حق آتبار ثروت های ملی خود را نفعی کرده اند. شیرهای نفت، یعنی عمده ترین منبع ثروت و درآمدشان را بسته اند، در محاصره اقتصادی قرارشان داده اند تا صدام حسین به امیر کویت فرامت بدهد! حکومت تهران نه تنها با این سیاست فیر انسانی مخالفت نمی کند، بلکه محاصره اقتصادی عراق را مورد تایید قرار داده و امر پرداخت فرامت به ایران را نیز پیش کشیده است.

مردم ایران، عراق و کویت هیچ نقش و مسئولیتی در جنایات حکام کشور های خود ندارند. رژیم های دیکتاتوری بی توجه به خواست و نظر مردم، منطقه را به آشوب کشیده و ویران کرده اند. اکنون صدام حسین در ناتوانی است اما ویرانه های کویت و ایران نباید به بهای فقر و مسکنت مردم عراق و ویرانی بیشتر این کشور و محاصره اقتصادی آن جبران شود و مردم این کشور نباید تاوان ماندن صدام حسین بر سریر قدرت را بدهند. ما این سیاست ها را محکوم می کنیم و حمایت حکومت اسلامی از آنها را نه تنها علیه مردم عراق بلکه در جهت تخریب بیشتر مناسبات دو کشور می دانیم. ایران و عراق کشورهای همسایه ای هستند که همبستگی و نیات توسعه طلبانه رژیم هایی که بر آنها حاکم بوده و حاکم هستند، باید در کنار هم در صلح و امنیت و برابری زندگی کنند.

هادی سازی روابط دولت های دو کشور بر پایه عرف بین المللی و مناسبات حقوقی معین عامل تعیین کننده ای در راستای اهداف فوق است. دولت های جمهوری اسلامی و عراق باید بر پایه رعایت منافع دو جانبه ملی و زمینه سازی برای از بین بردن هدم مداخله، روابط خود را بدون هیچ شرط اضافی بر مبنای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد استوار سازند. ما نیک می دانیم نه حکومت اسلامی و نه رژیم عراق هیچ کدام به چنین مناسباتی پای بند و هلاکت مند نیستند، اما وظیفه نیروهای دموکرات دو کشور می شناسیم که بدون تنگ نظری، مبارزه برای وادار ساختن حکومت های تهران و بغداد به رعایت قرارداد و قطعنامه فوق را هماهنگ و تشدید سازند. لازمه مبارزه نمر بخش در این راه مبارزه مستمر با امت گرایی اسلامی، ناسیونالیسم افراطی و شوئیسم و هر اندیشه فیر دموکراتیک چه در چهره اسلامی، چه در چهره ایرانی و یا عربی، پر میز از دامن زدن به دشمنی میان ایران و کشورهای عربی و اتکا به همبستگی خلقها و ملل منطقه از جمله مردم ایران و عراق برای تامین صلح و دموکراسی در کشورهای خود و کل منطقه است.

برای بازگشت امن به کشور!

آزادانه به میمن خود باز گردد و بدون هیچ گونه فشاری از اعتقادات و سیاستها و حزب مورد هلاقه خود جانبداری کند و خود شیوه زندگی خویش را برگزیند. برای رفع شرایطی که موجب مهاجرت ناخواسته و اجباری میلیونها ایرانی به خارج از کشور شده است، شرایطی که مهاجرت به خارج را هم چنان ادامه دار ساخته است، به اعتقاد ما باید اقدامات زیر صورت گیرد تا شرایط بازگشت تا حد امکان گسترده مهاجرین و حل واقعی این مسئله فراهم آید.

- ۱- تصویب قانون منع تعقیب کلیه مهاجرین سیاسی و اعلام رسمی آن.
- ۲- آزادی زندانیان سیاسی، منع پیگرد، بازداشت و شکنجه.
- ۳- لغو سانسور و تامین آزادی فعالیت نویسندگان و هنرمندان.
- ۴- پذیرش رسمی اعلامیه جهانی حقوق بشر.
- ۵- گشایش دفتر دائمی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، سازمان هنو بین الملل و صلیب سرخ جهانی در ایران برای نظارت بر رعایت حقوق بشر و بازگشت امن مهاجرین.
- ۶- لغو حجاب اجباری و قوانین زن ستیز.
- ۷- رفع تضییع علیه اقلیت های مذهبی.
- ۸- تامین آزادی مهاجرین برای سفر به خارج از کشور.
- ۹- تضمین حق بازگشت مهاجرین به مشاغل قبلی و انتخاب آزادانه شغل برای آنان.

شورای مرکزی سازمان ما، همه احزاب و سازمانهای سیاسی، همه مهاجرین و نیروهای دموکرات کشور را به مبارزه یکپارچه و هدفمند برای تامین شرایط بازگشت امن کلیه مهاجرین دعوت می کند. به اعتقاد ما در این مبارزه سازمانهای پناهنده می توانند نقش مهمی ایفا کنند. مبارزه مشترک برای تحمیل خواسته های خود به حکومت اسلامی و عقب نشاندن بیشتر آن، بسیج گسترده افکار همومی مردم در کشورهای غربی، تلاش برای ترفیب دولتهای پناهنده پذیر به اعمال فشار علیه دولت جمهوری اسلامی و ممانعت از سخت شدن شرایط پناهنده گری در کشورهای فوق الذکر، می تواند رتوس سیاستهای مشترک ما باشد.

اطلاعیه شورای مرکزی خطاب به اعضای

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفقای گرامی! دومین کنگره سازمان در پیش است و تدارک برگزاری آن در جریان. شورای مرکزی سازمان بدینوسیله تمامی رفقای مشمول ضابطه فوق را فرا می خواند که با شرکت در کنفرانس های پیش کنگره و انتخابات آن در امر برگزاری هر چه شایسته تر کنگره دوم و تاثیر گذاری بر راستای فعالیت آتی سازمان سهم جویند.

این مصوبه بازتابگر تمایل و اشتیاق اعضای شورای مرکزی به این امر است که همه فدائیان که طی سالیان طولانی در سازمان کار و پیکار کرده اند،

آزادی فعالیت احزاب سیاسی و آزادی

انتخابات نخستین شردمکراسی است

پیگرد، بازداشت، شکنجه و سرکوب

مخالفین سیاسی باید قطع گردد

اجرای اعلامیه جهانی حقوق بشر خواست عموم مردم ایران است

شورای مرکزی سازمان در اجلاس اردیبهشت ۷۰ خود، سیاست اخیر دولت رفسنجانی در مورد بازگشت مهاجرین ایرانی مقیم خارج از کشور را مورد بررسی قرار داد: نظر به حساسیتی که این موضوع در میان مهاجرین ایرانی ایجاد نموده و هم چنین تأثیراتی که می تواند در آینده تحولات جامعه ما داشته باشد، اعلام موضع خود نسبت به آن را ضروری تشخیص داد.

شورای مرکزی سازمان مجموعه اقدامات محدود و نیم بند دولت رفسنجانی را ناشی از نیازهای فیر قابل تأخیری می داند که جامعه ما با آنها مواجه است. هاشمی رفسنجانی با تشخیص تناقضات سیاستهای گذشته حکومت و بن بست فیر قابل علاج این سیاستها، به تغییرات معین در جغرافیای آنها روی آورده و برای تثبیت حکومت، اجرای برنامه بازسازی و تعدیل بحران اقتصادی، می کوشد سیاستهای قبلی جمهوری اسلامی را تا جایی که دست و پاگیر اهداف فوق هستند - تصحیح کند. رفسنجانی می خواهد از طریق رفرمهای محدود و کاهش برخی فشارهای اجتهایی، در جامعه پایگاهی برای حکومت خود ایجاد کند و از این طریق اسباب اجرای این رفرمها را نیز فراهم آورد. او در همین حال قصد دارد این رفرمهای محدود را به عنوان مظاهر رعایت دموکراسی و حقوق بشر در ایران، در برابر دولتهای غربی - که رابطه با آنها را برای اهداف خود حیاتی می شمرد - قرار دهد.

شورای مرکزی ضمن تصریح بر این واقعیت تلخ که دموکراسی و حقوق بشر در ایران هم چنان به وجعی خشن سرکوب می شود و رژیم جمهوری اسلامی (و همه جناحهای آن) رژیم ضد دموکرات و دیکتاتوری است، در همین حال احتمال پدید آمدن منافذی در دیوار بلند استبداد را منتفی نمی داند و هم با فلوپیرامون این احتمال و هم با نادیده انگاشتن آن مخالف است.

هدف واقعی دولت رفسنجانی از طرح شعار بازگشت مهاجرین، در درجه اول جلب افشار معینی از میلیونها مهاجر ایرانی خارج کشور، یعنی سرمایه داران و متخصصان برای به راه انداختن چرخهای درهم شکسته اقتصادی است. تبلیغات دولت برای بازگرداندن این افشار معین، بسیار بیشتر از اقدامات حداقلی و واقعی است که برای بازگشت همین تشر محدود دان توده عظیم مهاجرین صورت گرفته است.

شورای مرکزی سازمان بی توجهی به اقدامات دولت رفسنجانی در هر صده فوق را نادرست می شناسد و آن را در خدمت سپردن ابتکار عمل به رژیم جمهوری اسلامی و پیشبرد سیاستهای رژیم - به گونه ای که خود می خواهد میداند - اپوزیسیون دموکرات رژیم باید در قبال هر تحولی هر چند کوچک، فعالانه شرکت کند و در جهت تاثیر گذاری بر آن و گسترش دامنه اش مبارزه نماید. ما وظیفه خود می دانیم که برای عقب نشینی بیشتر رژیم و وادار ساختن آن به تامین شرایط بازگشت کلیه مهاجرین، از جمله مهاجرین سیاسی، پیکار کنیم. یا نیروهای دموکرات کشور در این پیکار موفق می شوند و حکومت را به عقب نشینی های بزرگ مجبور می سازند که پیروزی مهمی برای دموکراسی و آینده کشور خواهد بود و یا رژیم تن به عقب نشینی نخواهد داد و پشت خود را در برابر مردم ایران و جهان بار دیگر باز خواهد کرد و هوامرغریی اش آشکار خواهد شد.

شورای مرکزی سازمان از بازگشت هر ایرانی که هلیبرغم میل خود مجبور به مهاجرت شده است، استقبال و دفاع می کند و مبارزه برای بازگشت مهاجرین را نه تنها یک وظیفه سیاسی در پیکار علیه رژیم، بلکه یک وظیفه انسانی خود می داند. ما مشوق بازگشت تمام آن کسانی هستیم که می توانند به میمن خود بازگردند. در همین حال وظیفه خود می دانیم که نسبت به هر گونه خوش بینی نسبت به تغییر شرایط در ایران هشدار دهیم و تکرار کنیم که دموکراسی و آزادی اندیشی و حقوق ابتدایی انسانها در ایران هنوز به شدت پایمال می شود.

ما به سهم خود از همه ایرانیان مقیم خارج می خواهیم که تلاش برای بازگشت به ایران را به یک تلاش و مبارزه جمعی به منظور تامین حق همه مهاجرین برای زندگی در میمن خود تبدیل کنند.

این تلاش مشترک می تواند تحت شعار تامین و تضمین بازگشت امن کلیه مهاجرین صورت پذیرد. پیکار متحد حول این شعار و جلب حمایت افکار همومی - به ویژه در فرب - برای خنثی ساختن توطئه های حکومت اسلامی و فشارهای شدت یابنده دولتهای پناهنده پذیر بر پناهندگان ایرانی اهمیت دارد. مبارزه یکپارچه مهاجرین حول شعار "بازگشت امن" دولتهای پناهنده پذیر را که هموما می آیند مهاجرین به کشورهای متبوع خویش بازگردند، در مناسباتشان با جمهوری اسلامی مجبور خواهد ساخت که این رژیم را برای اجابت خواسته منطقی مهاجرین تحت فشار قرار دهند. اگر این مبارزه و فشارهای مختلف برای به عقب راندن رژیم کافی نباشد و دول پناهنده پذیر به سکوت و معامله با حکومت اسلامی در این عرصه تن دهند، در آن صورت باید در برابر اعتراض نیروهای مترقی کشورهای خود که از حق پناهنده گری مهاجرین دفاع می کنند، از همدستی با دولت جمهوری اسلامی برای اعمال فشار به پناهندگان ایرانی و باز پس فرستادن آنها خودداری ورزند.

ما به عنوان یک سازمان سیاسی خواهان آنیم که هر ایرانی بتواند

وضعیت فاجعه بار شیعیان جنوب عراق

که مشخص است تداوم سرکوب شیعیان در عراق است. ارتش عراق مداخلات جمهوری اسلامی را بهانه کرده و سرکوبهای مسلحانه قرار داده است. گروهی از پزشکان عضو سازمان بین المللی پزشکان علیه

جنوب عراق از جانب ارتش عراق به توپ بسته شده و یا بمباران شده است. حملات ارتش عراق متوجه شهرهای اماره، ناصریه، علی شرتی و علی هلی غربی بوده است. این خبر را منابع دیگری تأیید کرده اند. اما آنچه

سرکوب شیعیان عراق ادامه دارد. خبرگزاری جمهوری اسلامی از قول آوارگان شیعه گزارش کرده است که در روزهای پنجشنبه و جمعه هفته گذشته (۲۸ و ۲۷ اردیبهشت) مناطق مسکونی چندین شهر در

شیعیان ادامه می دهد و رژیم تهران میکوشد از این وضع بهره برده و سرنوشت شیعیان عراق را تابع مفاصمات خود با دولت بغداد سازد. هنوز روشن نیست که کردها در مذاکرات خود با دولت عراق تاجه حد به طور مشخص از حقوق شیعیان دفاع کرده اند. شیعیان مذاکرات کردها با صدام حسین را تک روی دانسته و آن را به منزله درهم شکستن ائتلاف ضد صدامی از جانب کردها توصیف می کنند.

حملات آمریکا و متفقین به مناطق مسکونی و موسسات غیر نظامی در جریان جنگ بر سر کویته به شدت محکوم شده است. پزشکان خواهان آن شده اند، که به محاصره اقتصادی عراق هر چه زودتر پایان داده شود. پیش بینی می شود که با عقب نشینی نیروهای آمریکایی از جنوب عراق، بر تعداد شیعیان پناه برنده به ایران افزوده شود. مراجع بین المللی و رسانه های گروهی به سرنوشت شیعیان بی توجهی نشان میدهند. صدام حسین به سرکوب

جنگ اتمی در بازگشت از عراق، گزارش تکان دهنده ای از وضعیت فاجعه بار مردم عراق خاصه در شهرهای شیعه نشین این کشور ارائه کردند. بر طبق این گزارش در جنوب عراق گرسنگی و بیماری های واگیر بیدامی کنند. در شهر کر بلا ۴۵۰ مورد ابتلا به وبا مشاهده شده است. بیماری ستانهای جنوب عراق فاقد ساده ترین امکانات برای مقابله با وبا و دیگر بیماریها هستند. هیچ کدام از شهرها دارای آب و برق نبوده اند. در این گزارش



مسعود بارزانی به همراه یک هیات چهار نفره از کردها با صدام مذاکره کرد

نظری به موانع تأمین خودمختاری و دموکراسی در خود جامعه کردی

مقاله زیر به تلم «نامو هیزیز» از روزنامه آلمانی فرانکفورتر تر ووندشوا (شماره ۱۳۰۰ ماه مه ۱۹۹۱) برگرفته شده و در برگردان به فارسی اندکی خلاصه شده است.

بیش از دو هفته است که در بغداد هیاتی از کردهای عراقی در حال مذاکره با صدام حسین است. تک روی کردها - به درستی - بارها مورد انتقاد قرار گرفته است. آخرین مورد، انتقاد شدید دیگر گروه های اپوزیسیون همچون شیعیان است که حس می کنند کردها به آنها پشت کرده اند و این بیم وجود دارد که جبهه واحد علیه دیکتاتوری از هم بپاشد. تاکنون اما «مذاکره با شیطان» فقط روی بی ضرر و موافقت آمیز خود را نشان داده است. کردها در طرح خواسته هایشان دست بالا را گرفته اند و در برابر خود مقاومت اندکی رami بینند. از آزادی مطبوعات سخن در میان است، از نظام چند حزبی و لفظ حقوق انحصاری حزب بعث و حتی از ملقا کردن پارلمان فعلی و باز تشکیل آن. برای نخستین بار در تاریخ، کردها خواسته هایی فراتر از علایق ملی خویش مطرح می سازند: «دموکراسی برای همه»، چنین است. شعار تازه برای کردها، برای شیعیان و بقیه مردم عراق، هدف رهبران کرد نه تجزیه عراق، بلکه ثبات بخشیدن به آن بر یک پایه دموکراتیک و بر مبنای یک دولت پاینده قانون است.

صدام حسین تاکنون به همه خواسته های کردها پاسخ مثبت داده است. هنوز البته قرار دادهای صورت مکتوب نیافته اند و موضوع شهرهای نفت خیز و نحوه بهره برداری از نفت آنها هنوز ناروین است. دور دوم مذاکرات که زیر رهبری مسعود بارزانی، رهبر حزب دموکرات کردستان است این ناروینیها و ابهامات را خواهد زدود و محتمل است همه قضیه تضمین بین المللی را روشن خواهد ساخت. خلق کرد نیز - به شیوه خود - از مذاکره با دیکتاتور انتقاد کرده است. همچنان بسیاری از آوارگان ترس خورده، از بازگشت به عراق خودداری می کنند. در ایسک ورن واقع در مرز ترکیه و عراق اخیراً هزاران کرد آواره علیه انتقال آوارگان به اردوگاههای تازه بر پاشده در خاک عراق، دست به تظاهرات زدند. این بدان معنی است که آنها،

جامعه کردی می گیرند - جامعه ای با گذشته فئودالی که همچنان دستخوش قوم و قبیله بازی و رقابت بر سر قدرت است. خواست بر پای یک دموکراسی بر اساس الگوی غربی در عراق ضرورتاً باید دگر سازی جامعه کردی را نیز در بر بگیرد.

امروزه جامعه کردی در اینجا و آنجا همچنان دارای نظام پیش - فئودالی است. این جامعه، جامعه ایست طایفه ای با ملوک الطایفه های مختلف که بر سر قدرت برتر و تعداد بیشتر رعیت، با یکدیگر سر نزاع دارند. بر حسب قاعده این «آقاها» (خانها) از بقیه مال و منال بیشتری دارند. از زمان اصلاحات ارضی بزرگ قرن ۱۹ (در عصر عثمانی) این «آقاها» در کنار شیخها و کارگزاران دولتی شهر نشین تشر اصلی زمینداران بزرگ را در کردستان تشکیل می دهند.

رقابت و ستیز آقاها با یکدیگر زیر پوشش هدفهای مختلف و نظرگاههای مختلف قابل استتار نیستند. دعوای آنها آشکارا بر سر قدرت محض است و آنان برای استحکام بخشیدن به قدرت خود حاضرند وارد اتحادهای مشکوک نیز بشوند. قرار گرفتن کردستان بین قدرتهای بزرگ منطقه فقط بدان منجر نشده است که عثمانیها و صفویها، ایرانیها و عراقیها هر یک به نوبه خود، نگویند کردها را در خدمت اهداف خود قرار دهند. این امر باعث آن نیز شده است که کردها نیز به بازی استفاده از یک قدرت علیه قدرت دیگر خو گیرند. چه بسیار پیش آمده که قدرتهای اشغالگر از برخی از روسای طوایف در برابر رقبای آنها پشتیبانی کرده اند، آنهم با این هدف که آنها را گوشه فرمان خود کنند و بدین ترتیب اعمال شیر مستقیم قدرت خویش را تضمین نمایند. این که این گونه اختلافات عشیره ای چه پیامدهایی برای «دموکراسی» دارد در رفتار انتخاباتی برخی از طوایف که دستخوش ستیزهای درونی هستند، آشکار می شود. اغلب دسته های رقیب منتظر می مانند تا ببینند طرف مقابل جانب کدام حزب را گرفته است، تا آنها عکس آن رفتار کرده و حزب دیگر را برگزینند.

وجود رابطه کلاسیک استثمار فئودالی بین آقاها و خلق امر نادری نیست. بعنوان مثال رئیس طایفه منگور در هر ده پاکاری را می گماشت که وظیفه وی جمع آوری «بهره مالکانه» بود که وارد کیسه آقامی شد. علاوه بر گرفتن این گونه «مالیات» وی رعیتها را به بیگاری نیز وامی داشت. در میان رعیتها و وضعیت مسیحیان و آنجایی که به طایفه تعلق ندارند، از همه فلاکت بارتر است: آقا به آنها به مثابه قلامان و اموال شخصی خود می نگرد.

ساخت طایفه ای به هیچ رو بقایای شکلهای اجتماعی کهن پیش - پادشاهی به حساب نمی آید. نظام جامعه کردی در دوره



ملاصطفی بارزانی: یک فئودال و رئیس عشیره و در همین حال یک رهبر جنبش ملی، او چند دهه مظهر مقاومت خلق کرد بود.

امرای خودمختار در اساس پیچیده تر و پایتخت تر بوده است. تا قرن ۱۹ آقاها زیر دست امرای طوایف (میرها) قرار داشتند. به آنها خراج می دادند و از آنها حساب می بردند. این حالت فرمانبرداری از «میرها» به وحدت طوایف توأم می بخشید و زمینه ساز یک جو مسالمت و عدالت نسبی می شد.

با نیرویابی قدرت مرکزی - قدرت مرکزی در ترکیه یا عراق - امیر نشینها اضمحلال یافتند و جامعه کردی متشکل از واحدهای خرد شد (باصلاح متمیزه شد). طوایف بزرگ دیگر مظهر وحدت و یکدستی نبودند. روسای طوایف قدرت و نفوذ خویش را از دست دادند و بی وظیفه گشتند. همپای گسترش شبکه حکومتی اداری مرکزی، کارکردهای سیاسی رهبر طایفه به تدریج زیر دست آنها انتقال یافت و کل نظام اجتماعی پیچیدگی خود را از دست داد. به این اعتبار نباید نقش قدرت مرکزی بیگانه را در تجزیه جامعه کردی و عقب ماندگی آن دست کم گرفت.

بر این مبنای برقراری ساختهای دموکراتیک در عراق مستلزم ایجاد یک تحول اساسی در شیوه زندگی کردها نیز هست. در کردستان انتقاد بر نظام اجتماعی خودی چند دهه است که بالا گرفته. بسیاری از روشنفکران جوان بر این باورند، که ساختهای کهنه مانع توأم خود آگاهی و وحدت گرای کردی و سد راه تشکیل دولت ملی است. آنجایی که در تداوم نظم کهن منفعتهای شخصی دارند، کمتر به اندیشه های آزادیخواهانه با نظر مساعد می نگرند.

مقاومت در برابر نظم کهنه، اغلب اما نه بر حسب ضرورت، همراه با جنبش ملی ظهور می کند. در دوره حکومت قاسم در عراق (۱۹۶۳-۱۹۵۸) جنبش کمونیستی - دموکراتیک که هدف آن بویژه راهی روسستانیان بود، نیرو گرفت. کردها برای نخستین بار در برابر بزرگ زمین داران خودی برخاستند و روسستانیان برای نخستین بار از انجام امری که به عنوان رعیت به آنها تحمیل شده بود، تن زدند. این گونه حساس شدن نسبت به روابط رستی درون خلق هنوز تضمین کننده دموکراتیزه شدن جامعه کردی نیست، اما بی گمان پیش شرط آن است.

راهی در حال توأم گیری بسیاری از روسستانیان از ساختهای فئودالی هنوز به منزله امید بستن به امکان یک رفرم اجتماعی نیست. دیگر پیش شرط مهم دموکراسی یعنی رفاه عمومی هنوز در کردستان موجود نیست، اما در موقعیت مناسب قابل تحقق است. سرزمین کردستان، که بخش فله خیز بین النهرین را در بر می گیرد، دارای منابع غنی کانی و زمین های حاصلخیز است. سیاست «زمین سوخته» صدام حسین بنیه اقتصادی و بارور تولیدی جامعه کردی را کاهش داده، اما نتوانسته است آن را نابود سازد.

بر خلاف دیگر مناطق خاورمیانه، مذهب در کردستان نقش ویژه ای ایفا نمی کند و قادر نیست مانع گشایش و رشد جامعه شود. مشارکت زنان در زندگی سیاسی نیز کمتر با مانع مواجه است. زنان کردی از خود آگاهی نیرومندی برخوردارند و تاکنون در تاریخ جنبش کردی چه بسا که همدهدار مسئولیتهای سیاسی بوده اند.

توده وسیع کردهایی که در تبعید بسر می برند، اهم مهمی برای سازندگی جامعه کردی در آینده اند. اگر در کردستان خودمختاری برقرار شود و آنها به زاد و بوم خود بازگردند، در بنای ساختهای دموکراتیک نقش مهمی را همده دار خواهند شد. برای تحقق دموکراسی، سوادآموزی همگانی و تحصیل اجباری ابتدایی باید در صدر هر برنامه ای قرار گیرد. آموزش حرفه ای برای رشد اقتصادی جامعه از واجبات است. جامعه کردی باید صنعتی شود، تا خلق به رفاه حداقلی دست یابد و دموکراسی خود را بنا بگذارد. همه اینها منوط به توأم یافتن خودمختاری است. بدون تضمین بین المللی، پیمانهای که امروزه در بغداد بسته می شود، وعده هایی هستند که پیش از این نیز بارها به خلق کرد در عراق داده شده است.

مجلس: شمار کاندیداها باید دو برابر منتخبین باشد

بررسی طرح اصلاحیه قانون انتخابات، در هفته گذشته نیز در مجلس ادامه یافت. از مواد مهم مصوب، ماده‌ای بوده است که مطابق آن هرگونه انتخابات زمانی قابل اجراست که عده کاندیداها لااقل دو برابر نفرات مورد نیاز باشند. انتخابات شورای ملی از شمول این تصمیم مستثنی شناخته شدند. در جریان انتخابات مجلس خبرگان، جناح تندرو با استناد به فقدان چنان تناسبی میان شمار کاندیداها و منتخبین، قانونیت آن را نپذیرفت و آن را انتخاباتی

آمادگی بازگشت دسته‌ای از سرمایه داران

دکتر هادلی رئیس کل بانک مرکزی در پی بازگشت از سفر آمریکا و گفتگو با سرمایه داران ایرانی مقیم این کشور، اعلام داشت ۴۵۰ تن از این سرمایه داران آماده مراجعت به ایران هستند. وی هم چنین اعلام کرد که در سال گذشته نرخ تورم به زیر

پایان چهارمین نمایشگاه بین المللی کتاب

چهارمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران که از روز ۱۷ اردیبهشت ماه آغاز به کار کرد، روز جمعه گذشته به پایان رسید. در این نمایشگاه ۳۲۰ ناشر داخلی با ۱۲ هزار عنوان کتاب و ۶۰۰ ناشر خارجی از ۳۰ کشور جهان با ۴۲ هزار عنوان کتاب شرکت

سفر گروهی از پزشکان ایرانی مقیم آلمان به کشور

در روز ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۷۰ تن از پزشکان ایرانی مقیم آلمان به دعوت ارگان‌های دولتی جمهوری اسلامی برای دیداری ۱۲ روزه وارد تهران شدند. بازدید کوتاه مدت این دسته از پزشکان ایرانی، نتیجه تلاش‌های اخیر مقامات دولتی برای جذب متخصصین مقیم خارج بوده است تا بتوانند زمینه بازگشت دائمی آنان را فراهم آورند. در فرودگاه مهرآباد به خبرنگاران روزنامه‌ها اجازه تماس و گفتگو مستقیم با پزشکان داده نشد. پلیس فرودگاه خطاب به خبرنگاران اخطار کرد که هرگونه

افزایش بهای ارز تحصیلی

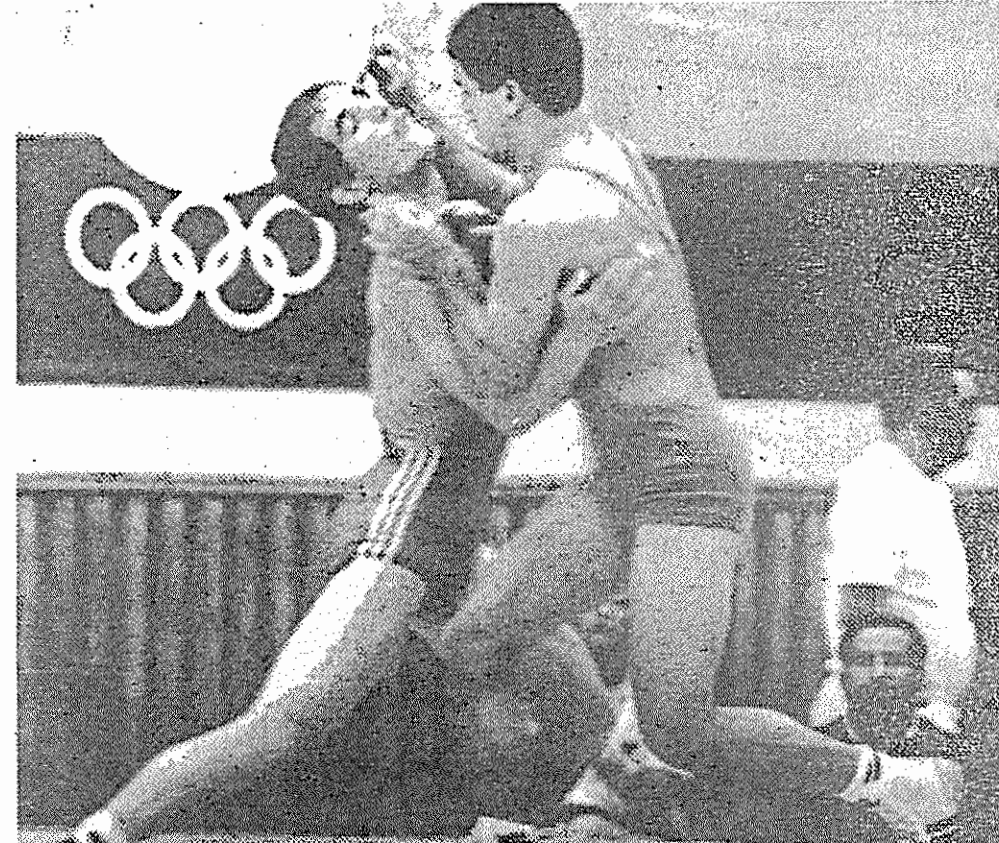
افزایش بهای ارز دامنگیر آن دسته از دانشجویانی نیز شده است که با تأیید و از طریق ارگان‌های دولتی به خارج اعزام شده‌اند. این دسته از دانشجویان پیش از این از ارز تحصیلی به بهای رسمی یعنی هر دلار هفت تومان استفاده میکردند. اخیراً ارز تحصیلی به آنها بر مبنای هر دلار ۶ تومان محاسبه شد و اکنون گفته می‌شود که مبنای محاسبه ارز تحصیلی هر دلار نزدیک ۱۴۰ تومان خواهد بود.

توافق نامه اقتصادی

ایران و پاکستان

فلامرضا آقازاده وزیر نفت جمهوری اسلامی به دنبال بازگشت از سفر به پاکستان خبر داد که یک یادداشت تفاهم بین دو کشور به امضا رسیده است. مطابق این یادداشت، پس از بررسی‌های لازم، جمهوری اسلامی از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۰ میلادی روزانه ۲ هزار میلیون فوت مکعب گاز به پاکستان صادر خواهد کرد. بر اساس این یادداشت تفاهم ایران در ساختمان یک پالایشگاه ۱۲۰ هزار بشکهای نفت در بندر قاسم پاکستان در منطقه بلوچستان این کشور مشارکت خواهد کرد.

قرار است پس از احداث پالایشگاه فوق، این بندر به یک بندر آزاد تبدیل شود. ۸۰ درصد سرمایه مورد لزوم برای احداث پالایشگاه فوق از محل اعتبارات بین المللی تامین خواهد شد و ۲۰ درصد بقیه را ایران و پاکستان به طور مساوی تامین خواهند کرد. ایران سهمیه خود را به صورت فروش نفت به پاکستان خواهد پرداخت.



روزهای ۲۶ تا ۲۸ اردیبهشت ماه سالن ۱۲ هزار نفری ورزشگاه آزادی تهران صحنه رقابت برگزیدگان کشتی فرنگی آسیا بود. در این مسابقات ۱۱ تیم از کشورهای ژاپن، چین، تایوان، کره شمالی، کره جنوبی، فیلیپین، هند، افغانستان،

اختلافات مالی ایران و

فرانسه هنوز حل نشده است

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی از پاریس، سخنگوی وزارت خارجه فرانسه در یک کنفرانس مطبوعاتی، نتایج سفر اخیر رولان دو ماوژیر خارجه این کشور به تهران را تشریح کرد، وی از جمله در مورد اختلافات مالی دو کشور گفت مذاکرات در این زمینه نتیجه نهایی نرسیده است، اما در مسیری مطلوب جریان دارد. وی ضمن پیچیده خواندن ماهیت اختلافات مالی موجود، خاطر نشان ساخت که در مذاکرات اخیر عناصر اصلی این قضیه که از دیدگاه دو طرف خالی از ابهام بوده اند مطرح شد و انتظار می‌رود که دو کشور در آینده نزدیک به توافق نهایی دست یابند. سابقه این اختلافات به وام‌هایی مربوط است که سازمان انرژی اتمی در زمان شاه در اختیار فرانسه قرار داد و پس از انقلاب در محاسبه بهره و بازپرداخت آنها بین دو کشور اختلاف پدید آمد.

گذرنامه

یکروزه صادر می‌شود

بر اساس یک مصوبه شورایی عالی اداری کشور، وزارت کشور و اداره گذرنامه موظف شدند یکروزه گذرنامه برای متقاضیان صادر کنند. این مصوبه باید از اول شهریور ماه سال جاری به اجرا درآید. مصوبه مزبور برای صدور گواهینامه رانندگی نیز محلت یکروزه تعیین کرده است. صدور یکروزه گواهینامه رانندگی باید از اول مرداد ماه آغاز شود.

منع سفر ایرانیان از طریق قطار زاهدان - کویته

اتباع پاکستانی و دیگر کشورها را جابجا می‌کند. به گفته مقام مزبور بهره‌گیری مسافرتی ایرانی از این قطار منوط به مصوبه ویژه هیات وزیران جمهوری اسلامی است!

تشکیل واحد ویژه نیروهای انتظامی

نیروی انتظامی کشور برای کنترل آمد و رفت در راه‌های کشور واحد ویژه‌ای را سازمان داده است. پیش از این کنترل تردد در گلوگاه‌های اصلی جاده‌های کشور توسط پاسداران کمیته و مأمورین بسیج صورت می‌گرفت. کمی قبل از اقدام کمیته و شهربانی و ژاندارمری، ایستگاه‌های بازرسی در جاده‌ها برپه شده بودند. اکنون بنابه اعلام یکی از

چند خبر کوتاه :

- مأمور دریائی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در خلیج فارس بر گزار شد. در این مأمور علاوه بر ناوگان جنگی دریائی جمهوری اسلامی، واحدهائی از هلیکوپتر و هواپیماهای جنگی نیز شرکت داشتند. مساحت منطقه مأمور ۸ هزار کیلومتر مربع بود.
- برخی از رسانه‌های خارجی و نیز تعدادی از نشریات ایرانی چاپ خارج گزارش کرده اند که احتمال دارد بزودی خلخال به اتهام جنایاتی که در سال‌های اول استقرار جمهوری اسلامی مرتکب گردید، تحت پیگرد قرار گیرد. در این زمینه رسانه‌های داخل کشور تاکنون خبری منتشر نکرده‌اند.
- با کنار گذاشته شدن سرتیپ حسنی سعدی از فرماندهی نیروی زمینی ارتش، سرتیپ عبداللہ نجفی به این سمت گمارده شد. وی از خامنه‌ای این منصب را دریافت کرده است.
- با افزوده شدن دوتن از نزدیکترین همکاران رفسنجانی به مجمع تشخیص مصلحت، این ارگان

پس ماندگی هولناک

تحصیلات عالی در ایران

در کشورهای پیشرفته در ازای هر یکصد هزار نفر جمعیت، پنج هزار تن دانشجو وجود دارد. در کشورهای جهان سوم در ازای هر یکصد هزار جمعیت ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ تن در دانشگاه‌ها تحصیل می‌کنند. در ایران مطابق پیش‌بینی‌های برنامه پنج ساله اول، در پایان دوره این برنامه تعداد دانشجویان کشور در ازای هر یکصد هزار تن جمعیت تنها به رقم ۷۷۷ نفر خواهد رسید. مطالب فوق بخشی از سخنان دکتر معین وزیر فرهنگ و آموزش عالی در گفتگو با خبرنگار کیهان بود.

رشد فوق العاده‌ای برخوردار بوده‌اند و توانسته‌اند تا ۹۰ درصد نیاز داروئی کشور را برآورده کنند. صنایع داروئی از جمله صنایع سودآور کشور است.

- روز جمعه گذشته، صفت الله مجددی رئیس دولت موقت ائتلاف ۷ گانه مجاهدین افغانی به همراه ربانی و مولوی محمد نبی دوتن از رهبران مجاهدین برای مذاکره با مقامات جمهوری اسلامی پیرامون تحولات افغانستان به تهران آمدند.
- در هفته گذشته در تهران هر دلار ۱۳۹ تومان، لیره استرلینگ ۲۴۳ تومان، مارک آلمان ۸۲ تومان، فرانک فرانسه ۲۴ تومان و دلار شاور بانک مرکزی ۱۳۷/۸ تومان معامله شد.

رفسنجانی در گفتگو با دانشجویان :

* بخاطر جنگ ده سال عقب مانده ایم .

* راه حل عراق پذیرش انتخابات آزاد به سبک ایران است !

* نهضت آزادی غیر قانونی است

هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور در روز ۱۵ اردیبهشت ماه با حضور در جمع گروهی از دانشجویان به برخی از پرسش‌های آنان پیرامون مسائل کشور و سیاست‌های جاری پاسخ گفت. این اجتماع بخاطر سمینار بزرگداشت مطهری برپا گردیده و پرسش و پاسخ در پی سخنان رفسنجانی در این سمینار صورت گرفت.

نخستین پرسش این بود: برنامه‌های اقتصادی دولت ... بخشی از مردم را واقعا مستاصل کرده است ... آیا دستگاهی واقعا در پایان برنامه پنج سال وجود دارد که مشخص کند چرا مطابق برنامه اعلام شده عمل نکرده است.

رفسنجانی در پاسخ به این پرسش به اقلی از کالاجا اشاره کرد که بجای آنجا در سال گذشته کاهش داشت و مدعی شد نرخ تورم از ۳۰ درصد به ۸ درصد رسیده است و در پایان گفت ما مستاصل نمی‌بینیم، حقوق مردم را حدود ۳۰ درصد اضافه کردیم. حدود ۳۰ درصد حقوق کارمندان اضافه شد که در تمام دوران جنگ چنین اتفاقی نیفتاده بود. مزد بگیران مشکل داشتند، دریافت‌ها بیشتر از تورم است.

با وجود توضیحات فوق پرسشگر دیگری تاکید کرد گرانی و تورم موجود است و هلت آن را پرسید. این بار رفسنجانی ریشه مشکلات را عوارض و عقب ماندگی‌های ناشی از جنگ نامید و گفت: ده سال تقریباً در همه

مسائل زیر بنایی عقب هستیم ... در تمام دوران جنگ، معکوس عمل می‌کردیم و فقط خرج روزانه مردم را تمهیه می‌کردیم، ما باید آن ۱۰ سال را جبران کنیم. رفسنجانی در پایان نتیجه گرفت تورم موجود ناشی از رشد سرمایه‌گذاری است. با وجود این ادعا، رفسنجانی در پاسخ به پرسش دیگری در این زمینه پذیرفت در تورم جاری، افزایش بهای کالاهای دولتی نقش ایفا می‌کند. وی از افزایش بهای اقلام بسیاری از کالاجا دفاع کرد و آن را ضروری دانست. وی منتقدین این سیاست را اشعار دهندگان نق زن نامید.

بحث بر روی مسائل اقتصادی اصلی‌ترین محور بحث این جلسه بود که وقت زیادی را به خود اختصاص داد. در پی آن سیاست خارجی جمهوری اسلامی بیش از دیگر مباحث مورد پرسش دانشجویان قرار گرفت. در پاسخ به پرسش‌های متعدد در این زمینه رفسنجانی از روند جاری سیاست خارجی دفاع کرد. درباره برقراری مناسبات با دیگر دولت‌ها گفت تنها رابطه با دولت اسرائیل مقدور نیست و رابطه با آمریکا بحث خاص دارد که فعلا می‌گذارم کنار.

پیرامون مسائل داخلی کشور عراق، رفسنجانی خودمختاری احتمالی کردستان عراق را رد کرد. به زعم و گفته رفسنجانی، راه حل عراق پذیرش انجام انتخابات آزاد مثل ایران است!

برخی از پرسش‌های دانشجویان شامل مسائل مربوط به آزادی احزاب و آزادی‌های سیاسی بود. رفسنجانی در پاسخ مدعی شد که آزادی هم اینک وجود دارد منتجا افراد جرات نمی‌کنند بروند حزب تشکیل دهند (خنده حضار) بخاطر اینکه می‌بینند موفق نمی‌شوند. با وجود این ادعا در پاسخ دانشجویی که از وضعیت نهضت آزادی می‌پرسید، گفت نهضت آزادی به خاطر بعضی مواضعی که گرفت و ولایت فقیه را قبول نداشت مطابق قانون غیر قانونی شد. برقم این پاسخ که عدم پذیرش ولایت فقیه برای انحلال یک حزب کافی است، رفسنجانی در پاسخ به پرسشی که آیا احتمال فعالیت احزاب و گروه‌هایی که در اوایل انقلاب فعالیت می‌کردند وجود دارد مدعی شد اشتیاق داریم که احزاب در کشور راه بیفتند، تنها خلاف قانون کار نکنند.

در بخشی از این پرسش و پاسخ رفسنجانی به لحاظ وابستگی جناحی خود تحت سوال قرار گرفت که آیا وابسته به جناحی از میان جناح‌های حکومتی است؟ رفسنجانی از پاسخ به این پرسش سرباز زد و گفت جواب به این سوال یک بحث مستقل و مناسب دیگری را طلب می‌کند!

افزایش فشار بر جویندگان

ایرانی‌کار در ژاپن

پیش‌باهر وسیله ای خود را به این محل رسانده و در اطراف استادیوم مستقر شده بودند. در میان جمعیت انبوه، گروه زیادی از مردم شهرستان‌های مختلف حضور داشتند. موج جمعیت در اطراف استادیوم ترافیک سنگینی را بوجود آورده بود. در یک کیلومتری اطراف استادیوم هزاران و سیله نقلیه شخصی پارک شده بود و سرنشینان آنها برای ورود به محوطه استادیوم با شتاب زاید الوصفی از این سو به آن سو می‌دویدند. حضور گروه زیادی از خانمها نیز که برای رزرو بلیط آمده بودند، در میان جمعیت چشمگیر بود.

در ساعت ۸ صبح جایگاه تماشاگران فوتبال مملو از جمعیت بود ...

می‌شود. طبعاً اقامت کوتاه مدت نمی‌تواند جبران هزینه اولیه، بهره رباخوار و سهم دلالتا را تامین کند و اندوخته‌ای هم بیار آورد. از اینرو آنها ناگزیر هستند فراتر از محدوده زمانی تعیین شده از سوی پلیس به اقامت خود در ژاپن ادامه دهند و دشواری‌های اقامت غیر قانونی را بپذیرند. در صورت اقامتی چند ماهه، بخشی از آنها قادر می‌شوند با جبران هزینه‌ها چند صد هزار تومان پس‌انداز کنند اما برای بسیاری از آنها به رقم تحمل همه مشقت‌ها چیزی باقی نمی‌ماند و برخی از آنها حتی قادر به جبران هزینه‌ها نیز نمی‌شوند.

نحوه گذران زندگی جوانان ایرانی در ژاپن هم انگیز است همان دلالتا آن را در اوقاتک هائی به عنوان خانه جای می‌دهند که تنها سر پناه است و فاقد همه چیز است. ترس از دستگیری توسط پلیس، هراس از دست دادن کار و ناتوانی در بازپرداخت بدهی‌های آنان را در اضطراب دائمی نگه میدارد. تاکنون چندین ایرانی جویای کار در ژاپن به قتل رسیده‌اند و یا خودکشی کرده‌اند. تنها در فروردین ماه سال جاری سه نمونه از آن در مطبوعات منعکس شد. به رغم همه این دشواری‌ها همچنان تقاضای سفر به ژاپن بسیار بالاست. با وجود افزایش بهای بلیط هواپیما، هنوز

یافتن جا برای پرواز به توکیو کار دشواری است. عده متقاضیان چنان زیاد است که باعث ازدحام دائمی در منطقه اطراف دفاتر فروش بلیط گردید. در اسفند ماه هواپیمائی ملی از متقاضیان سفر به ژاپن خواست بجای مراجعه به مراکز فروش بلیط، در استادیوم آزادی گرد آیند. گزارش روزنامه کیهان از ورزشگاه آزادی در این روز تصویری از کثرت مراجعین بدست می‌دهد. این روز نامه چنین می‌نویسد:

رزرو بلیط ایران این سه مقصد ژاپن از نخستین ساعات صبح امروز با حضور جمعیتی در حدود ۸۰ تا ۹۰ هزار نفر در استادیوم ورزشی آزادی تهران آغاز شد.

به گزارش خبرنگار ما علی‌رغم اینکه قبلاً اعلام شده بود که رزرو بلیط در روز ۲۷ اسفند انجام می‌شود، گروه زیادی از متقاضیان سفر به ژاپن از چند روز

گفتنی است که علاوه بر بیکاران گروهی از شاغلین بخش دولتی نیز با استفاده از مرخصی به ژاپن می‌روند و طول مدت مرخصی بدون حقوق را در ژاپن کار می‌کنند. آنها امیدوارند با درآمد حاصله بتوانند تاچیز بودن حقوق کارمندی خود را جبران کنند و معاش خانواده را تامین نمایند. سال گذشته سفر عده زیادی از پرسنل فنی هواپیمائی ملی به ژاپن برای یافتن کار در سطوحی از جامعه با ژاپن یافت. تعداد این کارکنان چنان زیاد بود که به بروز اختلالاتی در پروازهای داخلی انجامید.

اکنون پلیس ژاپن با اعمال محدودیت‌های تازه هر صدها ایرانیان جویای کار تنگ کرده است. پلیس ژاپن در اعمال فشار به ایرانیان پروای واکنش رژیم جمهوری اسلامی را ندارد. سفارت ایران در ژاپن در پیگیری هلت قتل‌هایی که صورت گرفت، در رسیدگی به وضعیت ایرانیانی که زندانی می‌شوند و در واکنش به رفتار پلیس که بطور غیر قانونی ایرانیان بسیاری را از همان فرودگاه باز می‌گرداند ... هیچ اقدامی به عمل نیآورده است. بدینگونه جوانان ایرانی جویای کار در ژاپن بی‌آنکه بمتابه شمرند کشورمان از پشتوانه و پشتیبانی برخوردار باشند در چنبره پلیس، دلال و کارفرما بی پناه رها شده‌اند. این جلوه‌ای از سرنوشت تلخی است که رژیم اسلامی برای جوانان میهن ما رقم زده است.

اعدام‌های دسته جمعی تاکی؟

گروهی از مردم کاشان در اعتراض به اعدام متهمین به قاچاق مواد مخدر تظاهرات کردند

ویرانگر به یک وظیفه بزرگ ملی و انسانی بدل شده است، اما رژیم اسلامی در حالیکه در ظاهر امر مبارزه آشتی ناپذیری را علیه اعتیاد و فعالیت‌های مربوط به قاچاق مواد مخدر انجام می‌دهد در واقع امر خود یکی از مسببین اصلی گسترش زمینه‌های اجتماعی این پدیده و پروبال گرفتن باند‌های گسترده و مخمبی است که یک سر آنان به مجاهدین افغانی تحت حمایت رژیم وصل است و سر دیگران در درون ارگان‌های خود حکومت نظیر کمیته‌های سابق قرار دارد.

به اعتقاد ما اقدامات گسترده فرهنگی و تربیتی نظیر دادن آموزش‌های درست به جامعه و بویژه بخش‌های جوان در مورد خطرات اعتیاد، فراهم آوردن امکانات تفریحی و اجتماعی برای جوانان، مجازات‌های مناسب و الویت دادن به بازآموزی در مورد معتادین در همین حال فعالیت‌های امنیتی برای شناسایی و از میان بردن باند‌های مواد مخدر و قاچاقچیان حرفه‌ای و کنترل مرزها باید جای اعدام‌های گسترده کنونی را بگیرد.

اعدام‌های گسترده و دسته جمعی، همکاری‌هایی را با سازمان‌های بین‌المللی در زمینه مبارزه با مواد مخدر شروع کرده است. هفته گذشته یک هیئت وابسته به ستاد مبارزه با مواد مخدر جمهوری اسلامی در ۳۴-مین کمیسیون مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل متحد شرکت کرد. رئیس این هیئت در گفتگو با خبرنگاران خبر داد که در جریان ملاقات هیئت جمهوری اسلامی با معاون دبیر کل در امر مبارزه با مواد مخدر، قرار شده است که با همکاری سازمان‌های وابسته به سازمان ملل و با سرمایه‌گذاری صندوق بین‌المللی مبارزه با مواد مخدر، اقداماتی برای بستن مسیر عبور کاروان‌های حامل مواد مخدر از شرق ایران صورت گیرد. به همین منظور هیئتی از سوی سازمان ملل طرف ۲ ماه آینده از ایران بازدید خواهد کرد.

اعتیاد به مواد مخدر هم چون مرگ سفید، پنجه‌های خود را هر روز بیش از پیش در پیکر جامعه ما می‌کند و بویژه بخش‌های جوان و کم سن و سال آن فرو می‌کند، اکنون مبارزه با این پدیده شوم و

میرامون مساله اجرای قطعنامه ۵۹۸ و اجرای بند ۶ آن برای تعیین متجاوز گفت بنا بود دبیر کل سازمان ملل تا پایان ماه آوریل هیات مربوطه را اعزام کند که این وعده متحقق نشد. رفسنجانی هلت این امر را ناشی از فشار آمریکا به دبیر کل دانست.

کنترل ورود مواد مخدر به ایران توسط سازمان ملل

به منظور اتخاذ تمهیداتی برای مسدود ساختن راه ورود مواد مخدر از مرزهای شرقی به کشور، ظرف ۲ ماه آینده هیئتی از سوی سازمان ملل متحد به ایران خواهد آمد. سفر این هیات، نتیجه مباحثات سی و چهارمین کمیسیون مبارزه با

میان دستجات دانشجویی اسلامی چه می‌گذرد

در پیوند با درگیری‌های جناح‌های حکومتی، روزنامه کیهان هوایی طی مقاله‌ای (به قلم دبیر سرویس خبر) گلایه‌هایی در رابطه با دیدار هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور با اعضای شورای مرکزی "جامعه اسلامی دانشجویان" مطرح ساخته است. نویسنده مقاله می‌گوید: ملاقات کنندگان با ریاست جمهوری نه منتخب دانشجویانند و نه نماینده واقعی آنان. بدین ترتیب، این ملاقات صرفاً به گروهی رسمیت بخشید که از روی بی‌تاهدگی صرف، خود را نماینده دانشجویان کشور معرفی کرده‌اند. جامعه اسلامی دانشجویان یکی از سه تشکل اسلامی دانشجویی است که هر یک به

۳۰۰۰ تاکسی مدل پژو برای تهران

تحويل سه هزار تاکسی از نوع پژو به متقاضیان در تهران آغاز شده است. با افزوده شدن این رقم بر شمار تاکسی‌های تهران، تعداد کل تاکسی‌ها در پایتخت به ۲۰ هزار خواهد رسید. نرخ تاکسی پژوی جدید یک میلیون و دویست هزار تومان است. به گفته شمردار تهران این تاکسی‌ها به کسانی داده می‌شود که از "حسن سابقه" برخوردار باشند. در تهران روزانه ۳ میلیون تن توسط تاکسی جابجایی شوند.

چه کسی مقصر است؟

تحقیقات کنگره آمریکا حاکی از آن است که عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد یعنی آمریکا، شوروی، انگلستان، فرانسه و چین طی ۱۴ سال گذشته، بیش از ۱۵۳ میلیارد دلار سلاح و تجهیزات نظامی به کشورهای خاورمیانه فروخته اند.

به گزارش رادیو اسرائیل، بزرگترین کشور خریدار سلاح در منطقه عراق بوده است که حدود ۵۳ میلیارد دلار تجهیزات نظامی وارد کرده است. پس از عراق، عربستان سعودی دومین خریدار عمده سلاح بوده است. بر اساس گزارش اتحاد شوروی با فروش ۷۴ میلیارد دلار اسلحه در

احسان کوچولو و منطق حکومتی!



احسان، طفل ۷ ساله ایرانی که از بدو تولد بیمار بود، سرانجام در مرز آخرین شانس نجات زندگی متوقف ماند و جان سپرد. پدر و مادر شهرستانی احسان پس از مدتها دوندگی در ایران بالاخره موفق می شوند پاسپورت و ویزا تهیه کرده و با صرف پول هنگفت، خود را برای آزمون آخرین احتمال جای نجات فرزندان به سوئیس برسانند. اما وقتی مجبور می شوند طبق توصیه اکید پزشکان سوئیس، فرزندان را سرپا پیش تنها پروفیسور متخصص این بیماری در فرانسه ببرند، با جواب منفی کنسولگری فرانسه روبرو می شوند. مقامات کنسولگری فرانسه در سوئیس نه فقط به این تقاضای انسانی بی اعتنایی می کنند بلکه به توصیه رسمی و مکتوب پروفیسورهای سوئیس مبنی بر انتقال بی تاخیر احسان به فرانسه هم بی توجهی نشان می دهند. احسان نوکل که حالش به وخامت گرایده بود، بر روی دست والدین ناامید از عبور از مرز فرانسه پری می شود و پدر و مادر او، برای همیشه دلبندشان را از دست می دهند.

کنسولگری فرانسه در سوئیس، در مقابل اصرار والدین احسان کوچولو فقط یک پاسخ داشت: منطق حکومت فرانسه! همانگونه که کیهان هوایی در خارج از کشور نیز که در شماره ۱۸ اردیبهشت ماه خود خواسته

است تا از این واقعه فهم انگیز بعد برداری کند، از همین منطق حکومتی تبعیت می کند: منطق حکومت جمهوری اسلامی در برابر منطق دولت فرانسه! کیهان هوایی که سخنگوی حکومت جمهوری اسلامی در حال و هوای خارج از ایران است، در نوشته خود حتی یک سطر به هلاک تاخیر چند ساله انتقال این کودک معصوم به خارج از ایران و معالجه به موقع او توسط متخصصان اروپایی اشاره نکرده است. زیرا می داند که این شراکت در ادعاینامه علیه حکومت جمهوری اسلامی است. و اما از آن بدتر، حتی نخواسته است به خوانندگان خود بگوید که وقتی والدین احسان کوچولو به هنگام روبرو شدن با حاجت کنسولگری فرانسه در سوئیس از سفارت جمهوری اسلامی در این کشور استمداد می طلبند، تنها این پاسخ را می شنوند: "این مسئله، به ما ربطی ندارد!"

نشانه سلحشوری برای شوار تسکف

فرب همچنان ژنرال نورمن شوار تسکف فرمانده آمریکایی نیروهای متحد در جنگ با عراق را می ستاید و افتخارات خود را بدای این قایم "نظم نوین جهانی" می ریزد. این هفته الیزابت دوم، ملکه انگلستان در جریان سفر خود به آمریکا، دریافت فلوریدا، از ژنرال شوار تسکف تجلیل کرد و مقام

افتخاری "سلحشوری" را به او اهدا کرد. ملکه انگلیس، ستم "جنوب" را نیز فراموش نکرد و به نشانه اعتقاد "نظم نوین جهانی" به برابری شمال و جنوب، خالدین سلطان وزیر دفاع عربستان سعودی را نیز هم چون ژنرال آمریکایی به این لقب سلحشوری مفتخر ساخت!

صدر ۵ کشور نوق بوده و پس از آن آمریکا با ۴۴ میلیارد دلار فروش تسلیحات قرار داشته است. حجم عمده این اسلحه در دست رژیمهای دیکتاتوری و توسعه طلب قرار گرفت و موجب برافروخته شدن آتش ۲ جنگ خونین در این منطقه گردید. اکنون بخش بزرگی از این اسلحه، بر اثر جنگهای نوق از بین رفته و شرکت های اسلحه سازی در تلاشند تا محموله های جدید کالاهای مرگبار خود را با قیمت های گزاف و از طرق پنهان و آشکار به منطقه بحران زده ما سرازیر کنند. به گزارش رادیو بی بی سی در منازعاتی که بین وزارت دفاع و خارجه آمریکا بر سر فروش سلاح به خاورمیانه در گرفته است، رئیس جمهور این کشور فروش سلاح به کشورهای منطقه را یکی از راههای دادن اطمینان به آنان دانسته است.

غرش و نالش

التفات بفرمائید: "بحث امروز ما تنها بر سر این نیست که چرا در صورت ادامه اصرار دوست فاشیست انگلستان در حمایت از سلمان رشدی ملعون دولت ایران با او رابطه سیاسی برقرار کرده و جاسوس کهنه کارش را نیز آزاد می نماید، امروز نگرانی اصلی ما تنها از این نیست که چرا در چهار چوب طرح طائف ایران انقلابی به خلق سلاح حزب الله در جنوب لبنان راضی می گردد، در اساسی امروز ما تنها این نیست که چرا ایران اسلامی با مرتجع ترین رژیم های منطقه از جمله عربستان این عامل کشتار زائران خانه خدا و مصر این رسوای کمپ دیوید رابطه سیاسی خود را مجدداً برقرار می سازد..."

بیانیه دفتر تحکیم وحدت در ارتباط با آزادی کوپر انگلیسی باز هم التفات بفرمائید: "بلکه سخن اصلی در اینجا این است که چرا در توضیح اصولی این حوادث بسیار مهم و ضروری هیچگونه تلاشی از سوی مسئولین ذیربط در سطح جامعه صورت نمیگیرد و..."

ایضاً بیانیه دفتر تحکیم وحدت در ارتباط با آزادی کوپر انگلیسی شیر محتر را بر سیدند: "چرا می فری؟" گفت: "می ترسانم!" بر سیدند: "چرا می نالی؟" گفت: "می ترسم!"

هانس دیتیریش گنشر

از نگاه مطبوعات ایران

همزمان با بهبود بی سابقه مناسبات جمهوری اسلامی با آلمان، آن بخش از روزنامه های دولتی تهران که متمایل به دولت رفسنجانی هستند، به تحقیق و تفحص پیرامون دوستی های دیرینه ایران و آلمان مشغول شده و به نحوی ظریف حتی بار دیگر "ریشه مشترک آریایی" مردم دو کشور را یاد آور می شوند. در این میان، هانس دیتیریش گنشر وزیر خارجه آلمان که از او بعنوان معمار روابط دوستانه دو کشوری یاد می شود، به شخصیتی محبوب در نزد این روزنامه ها تبدیل شده است. روزنامه اطلاعات طی مقاله ای افتخارات گنشر را چنین بر شمرده است:

تنها وزیر خارجه کشورهای غربی که به هنگام جنگ ایران و عراق و تیرگی روابط جمهوری اسلامی با غرب، همواره خواهان رابطه آلمان با ایران بود و اجازه نداد این رابطه تاریخی و سنتی قطع شود.

اولین وزیر خارجه

هدیان های مرد خون سرد

می خواست در زوایای دور انجم مستور بماند و هرگز کنه وجودش را برای شاگردانش ناش نکند، در پایان چنین نتیجه گرفت: با قوانین ریاضیات روابط و نسبت های طبیعی موجود در جهان آفرینش را می توان به دست آورد، اما واقعیت ریاضیات چیزی نیست جز برهان و دلیل واضح بر قانونگذار کل!

بر گرفته از اطلاعات اردیبهشت ۷۰.

فرهنگنامه روز

شورای همکاری خلیج

در نظام امنیتی منطقه خاورمیانه و خلیج فارس پس از جنگ بر سر کویت، "شورای همکاری خلیج" جایگاه و وزن ویژه ای یافته است. در آخرین کنفرانس وزرای خارجه شورای همکاری خلیج (عجمه) عبدالله بشاره دبیر کل شورا اعلام کرد که گفتگوهای همه جانبه ای با جمهوری اسلامی در جریان است تا ایران نیز در رابطه تنگاتنگ با شورا در نظام امنیتی منطقه دخالت جوید.

در شورای همکاری خلیج ۶ کشور عضویت دارند: عربستان سعودی، کویت، بحرین، قطر، عمان و امارات متحده عربی. مرکز شورا در ریاض است اجلاسهای شورا در سطوح مختلفی تشکیل می شود. اجلاسهای عالی در سطح سران و سپس وزرای خارجه کشورهای عضو است. شورای همکاری خلیج، تنظیم کننده همکاری های مشترک کشورهای عضو در زمینه های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی است. تاکنون مرکز ثقل فعالیت های شورا در زمینه امور سیاسی و امنیتی و نظامی بوده است. با توجه به تحولات منطقه بعید نیست که شورای یک پیمان کامل نظامی تبدیل شود. شورا در حال حاضر دارای یک نیروی نظامی مشترک با عنوان "تسرس شبه الجزیره" (سپر شبه جزیره) است که ۱۵۰۰۰ سرباز را در برمی گیرد (مجموع نیروی نظامی ۶ کشور عضو شورای خلیج ۱۷۰۰۰۰ سرباز است). قرار است که این نیروی نظامی مشترک، تقویت شده و به عنوان رکن اصلی امنیت منطقه خلیج فارس عمل کند. مصر و سوریه بر آنند که بخشی از نیروی نظامی خود را زیر پرچم "تسرس شبه الجزیره" قرار دهند. تاکید بر تقویت نیروی نظامی مشترک، پس از جنگ بر سر کویت است. در جریان این جنگ نیروی نظامی مشترک "شورای همکاری خلیج" عملیات نواست نقشی ایفا کند. آمریکا، انگلیس و دیگر متفقین غربی جنگ کویت، خواهان تقویت این نیرو هستند و به لحاظ منافع خود به آن یاری می رسانند.

شورای همکاری خلیج در ماه مه ۱۹۸۱ تاسیس شد. علیرغم این که در آن هنگام کشورهای عضو شورا در جنگ ایران و عراق، عمدتاً جانب عراق را داشتند، خواهان آن نبودند که از جنگ، یک عراق فاتح و نیرومند سر بر آورد. عراق در برابر تشکیل شورا، موضع منفی گرفت و آن را به مثابه در هم شکستن جبهه مشترک عربی و منطقه ای علیه جمهوری اسلامی ایران توصیف کرد. جمهوری اسلامی نیز در برابر این تحول، موضعی منفی داشت و شورا را اتحادی از کشورهای پیروز و قرب در خلیج فارس علیه خود می دانست. اما دبیری نباید که تبلیغ علیه شورای همکاری خلیج از سوی مقامات رسمی تهران متوقف شد و رژیم اسلامی روابطی با شورا برقرار کرد، آنهم با این نیت که بین کشورهای عضو شورا و بغداد فاصله ایجاد کند. شورا در زمینه میانجی گری بین ایران و عراق فعالیت های چندی به عمل آورد که ناموفق بود.

تشکیل شورا در درجه اول واکنشی بود در برابر تحولات منطقه پس از انقلاب ایران، حوادث افغانستان، و جنگ ایران و عراق. سابق دیگر در امر تشکیل شورای همکاری خلیج، بیم شیوخ حاکم بر کشورهای تشکیل دهنده این نهاد، از تحولات درونی بود. بهم خوردن ساختار سنتی در این کشورها، تشدید مبارزه طبقاتی در آنها، قدرت یابی یک قشر متوسط تحصیل کرده که خواهان مشارکت در امور سیاسی بود و از نظام شیخ سالاری انتقاد می کرد، بیم از نقشی که ارتش در این کشورها می یابد و بالاخره موج اسلام گرایی در کل منطقه، شیوخ را واداشت که برای تضمین بقای خویش، به اتحاد با یکدیگر رو آورند، تا بتوانند از نیروی مشترک برای کنترل روندهای نامطلوب در درون هر کشور عضو بهره گیرند. واشینگتن از آغاز امیدوار بود که نیروی نظامی شورای همکاری خلیج بتواند مکمل "نیروی واکنش سریع" آمریکا باشد. این نیرو در واکنش نسبت به تحولات افغانستان و ایران تشکیل شد و هدف آن برکردن خلا ناشی از سقوط شاه که ژاندارمی منطقه را بر عهده داشت، بود. تحولات بعدی، بویژه ماجرای کویت ثابت نمود که شورا، انتظاراتی را که از آن می رفت قادر نبوده است که بر آورده کند. اکنون شورای همکاری خلیج وارد دومین مرحله حیات خود شده و بر آن است که در این مرحله به رکن اساسی امنیت منطقه آن گونه که مورد نظر کاخ سفید و کاخهای شیوخ حاکم بر کشورهای عضو است - تبدیل گردد.

شورا به روابط خود با تهران بجای ویژه ای می دهد. شورا بر آن است که در همین تقویت خویش وضعیت پیش نیاید که حساسیت ایران، برانگیخته شود. مقامات تهران به نوبه خود، خواهان تقویت رابطه با شورای همکاری خلیج شده اند. تقویت رابطه با شورا اهمیای تشنج زدایی در رابطه تهران با عربستان و کویت پیش می رود.

* سالفاست تصمیم دارم به سازمان های درمانی، خون اهدا کنم، اما گلبول های سرخ و سفید خونم بر سر این مسئله به توافق نرسیده اند.

* ترنهایست در میدان های شهرهای بزرگ و کوچک به پای دمکراسی خون اهدا می شود. اما غالباً گروه خون این خون ماهه گروه خون دمکراسی نمی خورد.

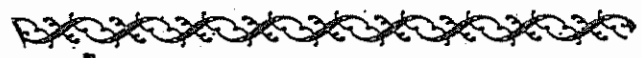
* خون انسان به دار آویخته شده به خون آدم تیز باران شده و جسدی می کند.

* مامور چوب اهدام تقاضا کرد که مامور تیز خلاص شود. انگیزه اش مبلفی است که ماهانه بابت حق آب و صابون مامورین تیز خلاصی می پردازند تا دستهایشان را از لکه های خون تیز باران شده پاک کنند.

* آبی که برای شستن خون های ریخته شده در راه آزادی به مصرف می رسد، در دل خون گیر می کند.

* کاشفیان

بیاد استاد محمد تقی بهار



«کجاست روزگار صلح و ایمنی...
کجاست همدرستی و مردهمی...
کجاست دوریاری و برابری...»

گواهی ادب شناسان ،
سرآمد سخنوران پارسی گوی
دوران «بازگشت» ادبی گردید .
بهار بختابه شاعری چیره
دست، ادیبی فرهیخته و سیاسی
مردی آزاده منش، در زمینه شعر،
ادبیات و مبارزه
اجتماعی-سیاسی، آثاری ارزنده
و آموزنده پدید آورد. او روزگار
سختی را نیز طی مبارزات خود،
به حبس و تبعید سپری کرد.
در بهار ۱۳۳۵ آخرین بهار
زندگی پر حاصل و بارور این استاد
فرزانه بسرآمد. امانسیم بهاری
شعرش، در بوستان فرهنگ و
ادب این سرزمین، همیشه وزان
است.
یادش گرامی باد.

رهگذر، اندیشه و روانش ،
در روزنامه های کشور وسیعاً
بازتاب یافت و خود او ،
روزنامه های بنام «نوبهار» در
مشهد و سپس تهران منتشر کرد.
همزمان، مبارزات سیاسی -
(حزبی) مجدانه ای را بخاطر
اهداف آزادمشنانه و ملی، تجربه
کرد و پیش برد. و چند بار از جانب
مردم به نمایندگی مجلس شورای
ملی برگزیده شد.
در عرصه شعر فارسی،
جایگاهی والا یافت، آنچنانکه به

امروز چهل سال از مرگ
سخنور گرانمایه، ادیب انبسان
دوست و آزاده، استاد محمد تقی
بهار میگذرد. بزرگمردی که قلبش
بخاطر «صلح و ایمنی، راستی و
مردمی، و یاری و برادری»
انسانهای تپید.
بهار، شاعر چیره دست،
محقق برجسته و روزنامه نگاری
مبتکر و آزاده بود. شعر، از
نوجوانی، وجودش را، سرشت و
عواطف انسانی اش را بارور کرد.
سالهای جوانی اش با آزمون انقلاب
مشروطیت ترین شد و از این

برای شناخت بیشتر مقام و موقعیت بهار در گستره
ادب و سیاست، فرازهایی از گفتار زنده یاد یحیی
آرین پور را از کتاب «از صبا تا نیما» با هم
می خوانیم:

بهار تخلص خود را از بهار شیروانی دارد. این شخص از سخنوران بنام عهد ناصرالدین-
شاه است که در مشهد به دوست خود صبوری، پدر بهار، وارد شد و در خانه وی در گذشت.
بهار ادبیات فارسی را نخست نزد پدرش آموخت و از هفت سالگی به سرودن شعر آغاز
کرد. و چند سالی برای تکمیل معلومات فارسی و عربی از محضر میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری
و صدعلی خان درگزی استفاده کرد و پس از آنکه صاحب شغل دولتی و منصب ملکشعرا شد،
به تکمیل زبان عربی پرداخت و از راه مطالعه کتب و مجلات مصری نیز اطلاعات خود افزود
و با سبای نو آشنایی یافت.

بهار از چهارده سالگی به اتفاق پدرش در مجامع آزادخواهان حاضر شد و به واسطه آنس
والدین که با افکار جدید پیدا کرده بود، به مشروطه و آزادی دلبسته و دو سال پس از مرگ پدرش،
در سال ۱۳۲۲ ق. که مشروطیت در کشور ایران مستقر شد و بهار بیست سال داشت، در جمع
شروطه خواهان خراسان در آمد.

بعد از فوت مظفرالدین شاه که میانه مجلسیان و محمدعلی میرزا کاشک در گرفت، دومین
انجمن به نام «سعادت» به وجود آمد که با انجمن سعادت استانبول و آزادخواهان باکو
ارتباط داشت. بهار به انجمن سعادت راه یافت و در دوره ای که به نام «استبداد صغیر» مشتمل
شده و از کودتای ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶ ق. و به توب بستن مجلس تا اول رجب ۱۳۲۷ ق.
ادامه یافت، با بعضی از رفقای حزبی خود، از جمله سید حسین اردبیلی مدیر مدرسه رحیمیه،
روزنامه خراسان را بنهانی چاپ کرد و به اسم «رئیس المطلب» موهوم انتشار داد و نخستین اشعار
ملی خود را در آن منتشر ساخت.

چندی بعد که مجاهدان رشت و نیروی بختیاری وارد پایتخت شدند و شاه به سفارت روس پناه
برد و از سلطنت کناره گیری کرد، در همه جا و از جمله در مشهد جشنهای ملی برپا شد. اشعار و
سرودهایی که در شب جشن در مشهد خوانده شد همه از بهار بود.

در سال ۱۳۲۸ ق. حزب دموکرات ایران با تاملیم حیدر عسواوغلی، یکی از پیشقمان
جنبش ملی، در مشهد تأسیس شد و بهار که در همان سال به عضویت کمیته ایالتی حزب در آمده
بود، روزنامه نوبهار ناشر افکار و سیاست حزب جدید را دایر کرد.

این روزنامه به گفته براون^۱ به واسطه شهادت و حملات تند و آتشین خود بر ضد فشار
روسها و دخالت آنان در سیاست داخلی کشور اهمیت خاصی داشت. دولت ترارد در ایران از

تقطع

دیدم به بصره دختر کی همچنی نسب
می خواند در سقر آن در پیش شیخ شهر
می داد شیخ در سقر «ضلال مبین» بدو
دختر نداشت طاقات گفتار حرف ضاد
می داد شیخ را به «ضلال مبین» جواب
گفتم به شیخ راه ضلال این قدر مپوی
بمتر همان بود که بمانید هر دو ان

روشن نموده شعر به نور جمال خویش
وز شیخ دل ربوده به فنج و دلال خویش
و آهنگ ضادر فته به اوج کمال خویش
با آن دهان کوچک فتنه مثال خویش
و آن شیخ می نمود مکرر مقال خویش
کاین شوخ منصرف نشود از خیال خویش
او در «ضلال» خویش و
تواند «ضلال» خویش

رباعی

من برگ گلم، باغ شبستان من است
نوباوه شب، که شبنمش میخواند

وان بلبل خوش لهجه، فز لخوان من است
هر صبح، به نیم بوسه محمان من است



مستبدان حمایت می کرد و نیرو به خراسان آورده بود و روش حزب دموکرات مخالف با سیاست
روس و بقای نیروهای روسی در ایران بود.

بهار در سال ۱۳۳۴ ق. با ایجاد جمعیتی به نام «دانشکده» شعر را و نویسندگان جوان را
در پیرامون خود گرد آورد و به کار و کوشش و ادب داشت و راه و رسم نویسندگی و شاعری را
که خود شناخته بود. به آنان آموخت و به قول خود «مکتب تازه ای از نظم و نثر به وجود آورد»
و در سال ۱۳۳۶ ق. مجله «دانشکده» را، که ناشر افکار و آثار او و اعضای جمعیت بود، دایر
کرد. در این مجله با نویسنده تجدد تریز به بحث و جدل پرداخت و به اعتراضات نوجویان
و نوپردازان افراطی پاسخ گفت و مقالاتی زیر عنوانهای: تأثیر محیط در ادبیات، شاعر خوب،
تودوبید، شاعر گاو سووار و اشعاری از قبیل بشا لشکوی، پیروس (ترجمه از بنو آلو)، چشمه و
تخت سنگ (ترجمه از لافونتن) و کار (ترجمه از لافونتن) انتشار داد.

دانشکده، یکی از بهترین مجلات منتشره در ایران تا آن زمان بود و اگر چه یک سال پیش
دوام نکرد اما در نویسندگان و گویندگان تأثیر زیادی داشت.

در همان اوان بود که روزنامه نوبهار بر اثر انتشار مقالاتی بر ضد دولت توقیف شد و
شاعر در مجله «دانشکده» (شماره ۴، یکم سنبله ۱۲۹۷ ش) با قصیده معروف و وزیر خود به نام
«بشالشکوی» به مطلع:

تأیر زیر ری است جولانم فرسوده و مستمند و نالانم
بر این اقدام اعتراض کرد.

در کودتای سال ۱۳۳۹ ق. (سوم اسفند ۱۲۹۹ ش) زندانی شد و مدت حسن زندان او سه
ماه طول کشید.

دوره چهارم مجلس شورای ملی با آغاز روزهای بحرانی سلسله فاجار و جدلهای حاد
سیاسی همراه بود. در این دوره بهار، که از بجنورد به نمایندگی مجلس انتخاب شده بود، با
مدرس در صف اکثریت بود و از سران معروف این گروه به شمار می رفت.

از ماست که بر ماست!

مستزاد

این دود سیفام که از بام وطن خاست
وین شعله سوزان که بر آمد ز چپ و راست
جان گسر به لب ما رسد از غیر تنالیم
از خویش بنالیم که جان سخن اینجاست
یک تن چو موافق شد یک دشت سپاه است
ملکی چو نفاق آورد او یک و تنه است
ما کهنه چناریم که از باد تنالیم
لیکن چه کنیم، آتش ما در شکم ماست
ده سال به یک مدرسه گفتیم و شنفتیم
و امروز بدیدیم که آن جمله معماست
گویم که بیدار شدیم این چه خیالی است
بیداری طفلی است که محتاج به لالاست
از شیمی و جغرافی و تاریخ نفوریم
وز قال و ان قلت بهر مدرسه غوغاست
گویند بهار از دل و جان عاشق غربی است
ما بحث نرانیم در آن نکته که پیداست
از ماست که بر ماست
از ماست که بر ماست
با کس ننگالیم
از ماست که بر ماست
با تاج و کلاه است
از ماست که بر ماست
بر خا ک بیالیم
از ماست که بر ماست
تا روز نخفتیم
از ماست که بر ماست
بیداری ما چیست
از ماست که بر ماست
از فلسفه دوریم
از ماست که بر ماست
یا کافر حری است
از ماست که بر ماست

يك موضوع و چند فرض!

پ. کریمی

بر آیند همه جریانات متشکله نظام فاصله نگیرد، و از سوی دیگر با مدعی قدرتمندی چون رفسنجانی روبرو است. خامنه‌ای لفظی هم از کابوس بروز تضاد بین خود و رفسنجانی به گونه‌ای که حذف یکی و قدر قدرتی دیگری را در پی داشته باشد، در امان نیست.

و این احتمال کم نیست که اختلاف بالقوه بین این دو، بر سر قطعیت یافتن برقراری مناسبات رژیم با آمریکا فعلیت یابد. برای رفسنجانی، مناسبات با آمریکا، اساسا موضوعی داخلی است و نه اینکه صرفا یک موضوع خارجی باشد. از این رو، همانگونه که تشدید تضاد بین خامنه‌ای و رفسنجانی و ارتقاء این تضاد تا سطح تقابل پدیده‌ای نیست مطلوب این دو موقت و در نتیجه در چشم انداز نزدیک، به همان سان نیز برقراری رابطه با آمریکا، فوری و سهل الوصول نمی‌باشد. از نظر رفسنجانی، مسئله تقطیر بر سر این نیست که خطاهای می‌های دو آتشه معاند رابطه با آمریکا هستند - جریانی که حتی در حکومت اسلامی آینده ندارد و در سر اشیب تضعیف ره می‌سپارد - بلکه مخالفت خوانی‌های خامنه‌ای در میان است او می‌داند که خامنه‌ای روی تخصص با آمریکا حساب باز کرده است. احتیاطکاری رفسنجانی در پیشبرد خط دوستی با آمریکا در این رابطه است. رفسنجانی ترجیح می‌دهد و صلت با آمریکا حتی المقدور با اجتناب از تصادم با خامنه‌ای رهبر همراه باشد.

اما خامنه‌ای برقراری رابطه رسمی دولت رفسنجانی با واشنگتن را ناخواهد خواست و یا مسلما نخواهد توانست بدون دشواری‌های جدی آن را ماست مالی و توجیه کند. با پیشرفت روندهای جاری و رسیدن موهب وصال، خامنه‌ای به اجبار با پایداری تأیید «تکلیف دولتی» برخیزد و بدین ترتیب هم حزب الهی‌های افراطی را در برابر خود قرار دهد و هم تاج را بر سر رفسنجانی نهد، و یا به «تکلیف ملی و همومی» عمل کند و رسماً و علناً رفسنجانی شاخ به شاخ شود. البته این را زمان نشان خواهد داد که کدامین احتمال از این دو به واقعیت زندگی سیاسی کشور بدل خواهد شد، اما شواهد موجود و منطق بیشتر حکایت از فائز آمدن رفسنجانی در احتمال اول دارد. در هر صورت یک چیز مسلم است: دیر یا زود وقت آن خواهد رسید که دو پادشاه در یک اقلیم ننگند!

در صورت شکست خامنه‌ای ولی فقیه از رفسنجانی رئیس جمهور و بیشتر از آن شکست حزب الهی‌های افراطی از او، بی‌شک قبل از همه این جامعه ایران است که از شر دو استبداد فقهاتی، یکی محافظه‌کار و دیگری ماجراجو تا حد زیادی رهایی خواهد یافت، اما خطا خواهد بود هرگاه نفس قلبه آخوند رفسنجانی مستبد بر جامعه ایران، تداوم نیاید. آنچه که اکنون آقای رفسنجانی ساین مهره تدریمنه دوازده سال رژیم جنگ و استبداد، فقر و پس‌رفت - می‌خواهد به اجرا بگذارد تنها در مواردی آنهم در سطحی محدود با خواست‌های مردم ایران و برنامه‌های پیشنهادی نیروهای دموکرات و مترقی همخوانی دارد. اقدامات رفسنجانی به شر طموه نفیتم آمیز بودن نیز در مقایسه با الزامات برون برد کشور به نحوی در خور زمان از این همه مصائب جمهوری اسلامی، صراحتاً است در برابر کوه!

یک کوه مشکلات، مسلماً به شط‌خروشان هدمند نیازمند است.

پانزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۷۵

اعلام دیدگاه‌های خود و اختلافاتش با رفسنجانی گاه ضمنی و گاه صریح و از این طریق سلب مسئولیت نسبی از نماینده «تکلیف ملی و همومی»، در پی سرمایه‌گذاری برای فردای خویش است تا در فرصت مقتضی و باتوسل به موقعیت ولایت فقیه به گونه‌ای شرعی با هاشمی رفسنجانی تعیین تکلیف بکند و مثلاً بهانه تخطی رفسنجانی از ارکان نظام، هذر این یارگرما را بخواند. حساب خامنه‌ای احتمالاً این می‌تواند باشد که در سر بزنگاهی که پیش خواهد آمد، از یک سو وارث همه موقیعت‌های سیاسی رفسنجانی و شخص او باشد از سوی دیگر مخالفت‌های مختلف الجبهت با وی در درون نظام را به سود طرفداری از خود کانالیزه کند. به ظن قوی پشتوانه چنین محاسبه‌ای از نظر خامنه‌ای این است که در نظام فقهاتی، استناد به اندیشه‌ها و وصایای خمینی برای گوشمالی کسی که هر روز بیشتر بوی فیر و شیرینی به خود می‌گیرد کاربرد پایدار دارد. وجود این نوع فکرها و تدابیر در مخیله او بیش از هر فرض دیگری معقول به نظر می‌رسد، زیرا هم با شخصیت وی و هم با موقعیت مبنی‌اش خوانائی دارد. خامنه‌ای گرچه در دوازده سال حیات جمهوری اسلامی هیچ‌گاه شخصیتی سیاست ساز و جریان ساز نبوده است اما همواره دارای هویت و موضع بوده است. او آخوندی است پایبند نظام فقهاتی و هنوز هم تا حد زیادی «نه قریبی - نه شرفی»، به لحاظ موضع اجتماعی در کنار بازار و تجار، و از نظر سیاسی محافظه‌کار و ضدگراوندیش؛ و همین خصوصیات بود که نقش مهمی در توافق خیرگان برای رهبر شدن او بازی کرد. در همین حال رفسنجانی نیز با تکیه بر شناخت دقیق از خامنه‌ای بود که نقش موثری را در جریان انتخاب خامنه‌ای به عنوان رهبر ایفا کرد. به زعم او پیشبرد سیاست‌های مد نظر، در جوار و پناه خامنه‌ای بیشترین شانس را داشت.

ولی پنداری عبث است اگر خامنه‌ای فکر کند که می‌تواند با تکیه بر همین مواضع و با همین خصوصیات در مقام رهبری باقی‌ماند و نقطه تعادل پایدار جریانات مختلف درون جمهوری اسلامی باشد. نخستین برهان در بطلان این تصور، ناگزیری تجزیه بیش از پیش نیروی متشکله جمهوری اسلامی و رشد تضاد و تقابل بین جریانات سازنده نظام و دلیل مهم بعدی همین تقابل هاشمی رفسنجانی است که تیچی بدست بی‌وقفه می‌برد و رشته امور مملکت را مطابق با الگوی خود به نخ می‌کشد. علاوه، اگر حساب استفاده یکی از دیگری به میان آید، به وضوح این رفسنجانی است که تاکنون در تضعیف و طرد رقبا از خامنه‌ای سود برده است و نه برعکس.

خامنه‌ای واقعا در وضع دشواری قرار دارد. از یکسو میدان مانور او محدود به متعلقات جمهوری اسلامی است و او مجبور است تا تمایلات گروه بندی‌های موجود را مد نظر داشته باشد و از

می‌شد تا یک خط و یک سیاست و یک جریان و جناح امور رژیم را در دست گیرد و جمهوری اسلامی را در مسیری واحد و ثابت پیش ببرد. مانور از این دست، به همراه خمینی به گور رفت. از همین رو هم نتیجه هم‌لکر خامنه‌ای متناسب با ظرفیت و توان او آن شده که تناقضات تاکنون در هر مورد به سود «تکلیف دولتی» و به زبان روشن تر به سود رفسنجانی حل شده است. آخرین نمونه در انطباق این دو نوع «تکلیف»، «ماجرای مضحک حج امسال است. این موضوع جنجالی به چنین حل و فصلی نزدیک شده است که حجاج ایرانی متعهد شوند در جریان مراسم زیارت، سیاست و عبادت را قاطبی نکنند و در مقابل، دوستان سعودی رفسنجانی در زمان کوتاه مکانی محدود و کنترل شده در اختیار نماینده خامنه‌ای قرار دهند تا با برگزاری «مراسم برائت از مشرکین» از این نوع، حرمت روح‌الله آن اندازه ننگ داشته شود که اکبر ظل‌الله در کالبد جمهوری اسلامی دچار تنگی نفس نشود!

اما سوال این است که آیا خامنه‌ای خواهد توانست بازی توجیه تناقض بین دو «تکلیف» را مدتهای مدید ادامه داده و از جمله بر سر مسئله حساسی همچون مناسبات با آمریکا به توجیه‌گری برخیزد و همچنان موقعیت خود به عنوان رهبر را حفظ کند؟ و سوال متعاقب اینکه، اگر خطر رفسنجانی همچنان پیش برود که منطقی نیز نظر به نبود آلت‌ناتیو کار و واقع‌گرای دیگر در رژیم همچنان پیش خواهد رفت و لاجرم موقعیت او را آن اندازه استحکام خواهد داد که رسماً به شخص مطلقاً اول مملکت بدل شود، در این صورت اول آقای خامنه‌ای چکاره نظام خواهد بود و ثانیاً ایشان در چه مقطعی زیر ائتلاف چند ساله را خواهد زد.

طبیعتاً این ساده‌ترین فرض خواهد بود هرگاه گفته شود که خامنه‌ای از همان روز رهبر شدن می‌دانسته هیچ‌کاره جمهوری اسلامی است و نصیب او از قدرت درست آنگونه که در دوره ریاست جمهوری اش، در مقام رهبری نیز حرفی و بلاخوار و ستروان ماندن در همل‌انت، و گویاوی از همان ابتدا ناگزیر از تادین در این سرنوشته بوده است. اما این ساده‌نگری محض است. زیرا، خامنه‌ای کمتر از رفسنجانی جاه طلب نیست تا به همین سادگی بپذیرد که بدست خود تاج سلطان حسین‌ای بر سر نهاده و بعداً به رایگان و منتضاحانه و در زمان مناسب تقدیم موقوفه دیروز بکند.

فرض دیگر این است که در هر مرم قدرت بین خامنه‌ای و رفسنجانی نوعی تقسیم کار جریان دارد و تئوری «تکلیف دولتی و تکلیف ملی و همومی» هم ناظر بر این تقسیم کار است. این فرض، فرض تازه‌ای نیست و کسانی از دیرباز معتقدند که این دو شخص همواره هم رای و هم نظر بوده‌اند و در توافق با یکدیگر بازی سیاسی واحدی را پیش برده و می‌برند، و اینجا حسنین خمینی هستند که زمانی گفت: خامنه‌ای و رفسنجانی فرزندان من هستند و من آنها را بزرگ کرده‌ام! این فرض بر این است که سخنان و اعمال این دو نفر مکمل یکدیگرند و مانور آنها لازمه پیشبرد سیاستی واحد در دارالخلافه چند واحدی حکومت اسلامی است.

این فرضیه اگر ناظر بر توضیح ائتلاف چندساله‌ای باشد که هنوز هم پا برجاست، البته درست است. اما اگر بر پایه این همانی گرفتن این دو باشد، خطا و بد آموز است. چنین فرضیه‌ای گذشته از اینکه در توضیح همه صفتبندی‌ها و جناح‌بندی‌های دوازده سال گذشته حیات رژیم الکن است، حاوی این بد آموزی هم است که به وجود تضاد مهم اینک بالوتود و بعداً بالفعل در هر مرم قدرت حکومتی، بی‌اهمیتی بشود. اگر موضوع به همین سادگی بود، انگاه به چه دلیل کسانی چون محتشمی، خوینی و امثالهم نتوانند زودتر از برون حکومتی‌ها متوجه چنین این همانی بشوند و در نتیجه نخواهند که تکلیف خود با خامنه‌ای را روشن کنند؟ به علاوه آیا آخوند کارگشته‌ای چون خامنه‌ای، آن اندازه خام است که فرجام محتوم این بازی بدفرجام را متوجه نباشد؟ فرض بیش از همه نزدیک به واقعیت آن است که خامنه‌ای مشعر به دشواری‌ها و تناقضات رژیم از یک سو، و موافق با سیاست و خط و مشی هاشمی رفسنجانی در جهات همده آن از سوی دیگر، فعلاً در پیشرفت این مشی ذینفع است و آن را تنها سیاست موثر برای نظام می‌شناسد، ولی در همین حال او با

موضوع این است: «رئیس جمهور» آشتی جمهوری اسلامی و آمریکا را می‌خواهد و «رهبر» بر اعتبار حکم معروف خمینی: «رابطه با آمریکا می‌خواهیم چه کنیم» ایستاده است.

انگون دیگر تاکتیک رفسنجانی این است که گام به گام «تبع» رابطه «اسلام» با آمریکا برای حزب الله جماعت از بین برود. با نشستن هواپیماهای آمریکایی در خاک ایران به بهانه «امداد به کردجای پناهنده»، دیپلماسی فقیه با واشنگتن در لباس «دیپلماسی امداد» ظهور نمود.

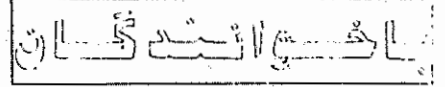
هلی اکبر رفسنجانی، هم خود در بیان و عمل و هم توسط علی اکبر ولایتی و نیز از طریق تهران تایمز - که بیانگر مواضع دولت در سیاست خارجی است، زمینه را برای عادی سازی مناسبات با آمریکا آماده می‌کند. او مجدداً در رابطه با همین زمینه چینی است که تقصیر در هدم برقراری در مناسبات فی‌مابین را برعهده آمریکا می‌داند که همچنان در تادیبه پولهای بلوکه شده ایران تعطل می‌ورزد. فرمول پیشنهادی رفسنجانی به آمریکا، فرمول دلار و سلاح در برابر و صلت است. دولت جرج بوش، با در نظر داشت دشواری‌های درونی هاشمی رفسنجانی، ابتکارات او در احترام به شروط مد نظر خویش را با حساسیت تعقیب می‌کند.

روشن است که رفسنجانی تصمیم خود را گرفته و در اجرای تصمیماتش مصر است. او که توقف جنگ هشت ساله را به نام خود ثبت کرده و سازمانگر اصلی بهره‌برداری از مناقشه عراق و آمریکا و دریافت امتیاز از صدام حسین معرفی شده است، او که خود را مجار کننده ماجراجویانه برون مرزی رژیم شناسانده و به عنوان مبتکر و مجری خروج جمهوری اسلامی از انزوای بین‌المللی و دوستی با کشورهای غرب و عرب چهره کرده است، و او که علم اصلاحات در اقتصاد کشور را برافراشته و به رفع یا تعدیل تناقض‌های دست و پاگیر در ساختار قدرت و اداره کشور برخاسته است، دارای مشی و سیاست روشنی است. او خوب می‌داند که این راه لزوماً از ایستگاه مودت با آمریکا گذار خواهد کرد و مصراحت در پی آن است که این خواسته تحقق یابد.

نقشه رفسنجانی، نقشه‌ای است از پیش طرح شده و برای آینده ای دور که به زعم او در جنگ اوست. رفسنجانی برای پیشبرد این مشی و سیاست، استعداد دارد تا از مانور در میان نیروهای حزب الله فراتر رود و در ایجاد پایگاهی گسترده برای سیاست و مشی خود، انتشار و نیروهای از جامعه را به سوی خود و اهداف خویش جلب کند. صحت‌های اخیر وی در مورد لزوم تعدیل فشار بر زنان و جوانان، لزوم برخورد منصفانه با جامعه ورزشی و هنری کشور و ضرورت برخورد جلب‌کننده با صاحبان سرمایه و متخصصان متقیم خارج از کشور و تا اندازه‌ای با کل مهاجرین، و فیرده و فیرده میان جهت گیری اجتماعی اوست. پخش صدای خوانندگان مردچون بنان از رادیوی جمهوری اسلامی پس از ۱۲ سال بایکوت و تحریم، تغییر ساعت در کشور مطابق نرم بین‌المللی پس از ۱۲ سال شرمیات بازهای بی‌شمر و ده‌ها اصلاحیه‌های ریز و درشت دیگر، بیانگر آن است که این قهرمان ایران گیت قصد دارد تا مرحله کسب تاج افتخار - البته با حفظه‌ها و همایه - پیش برود! او آماده برای بر جعبیدن از بسیاری از موانع و تناقضاتی که گریبانگیر جمهوری اسلامی است، بر آن است تا پلاک یکه تازی دوی با مانع در جمهوری اسلامی را نصیب شود و بر سینه نصب کند. برقراری رابطه دوستانه با آمریکا، از اهداف این مسیر است.

اگر چه میکوشد برای توجیه تناقضات پیش آمده بین رهبری و مقام ریاست جمهوری راهی بیابد، اما در این توجیه‌گری هر روز با دشواری‌های بیشتری روبرو می‌شود. او اخیراً در نماز جمعه شانزده فروردین ماه این فرمول دو پهلوی را پیش کشید که «تکلیف دولتی» یک چیز است و «تکلیف ملی و همومی» چیزی دیگر، او انحصار «تکلیف ملی و همومی» را متعلق به «رهبر» دانست و با گفتن اینکه دولت باید به تکالیف خود عمل کند بالاخره این نتیجه را گرفت که کشف تناقض در جمهوری اسلامی تشبیه بی‌پایه و تلاشی بی‌نتیجه است! او که یکبار در برابر حملات تند دارو دسته محتشمی به مهاجرانی - که جرمش بیان نقطه نظرات رفسنجانی در روزنامه اطلاعات بود - بطور ضمنی از او و به نحو غیر مستقیم از رفسنجانی حمایت کرده بود، هنوز هم بر این ژست است که همه دولت‌مردان نظام، به‌ادامه خصومت با آمریکا پایبند هستند!

البته این واقعیت دارد که خامنه‌ای تاکنون توانسته است چند مورد تناقض بین «تکلیف دولتی» و «تکلیف ملی و همومی» را به گونه‌ای رفع و حل کند که هم اخلاقی در برنامه‌های رفسنجانی پیش نیاید و هم چندان به چیت قبای رقبای وی بر نخورد. اما نه به گونه‌ای که خمینی «دست رحمت» را به نوبت سر این و آن می‌کشد و از این طریق مانع از آن



بقيه از صفحه ۹
پروازی دسته جمعی نفس‌هایمان امکان پذیر نمی‌باشد! اول آزادی کامل، بعد پروازی دلخواه با هم نوع خویش! خاطرمان باشد که اهالی اروپای سابق به اصطلاح رومی، یونانی، پطروس، و... در حال حاضر، ضمن اینکه نه تنها خارج از قفس هستند، بلکه همچنین در تلاشند که در کنار بازار مشترکشان، پول مشترک، زبان مشترک و... داشته و حتی مرزهای ما بین خود را نیز از میان بردارند! پس چرا ما که خود قانون‌دار و از پیش‌کسوتان این امور هستیم، از قائله عقب‌تر بمانیم؟! لذا جهت بهبود فردای آیندگانمان بار دیگر خود را از این آخرین

شما را در اختیار رفتای خود در مونیخ قرار می‌دهیم تا در صورت امکان با شما تماس بگیرند و در حد توان خود به شما یاری رسانند. در ضمن از همین طریق خواهید توانست برای تماس‌های منظم تر با سازمان نیز اقدام کنید.

دوست گرامی سیاهوش از زاپن نامه‌های شما و هم چنین تمبرهای پستی به دست ما می‌رسد. متأسفانه برای ما امکان ارسال نوار ویدئویی وجود ندارد، تماس خود را با نشریه کار می‌توانید از طریق آدرس کنونی ادامه دهید. در سایر موارد باید با گروه کار تشکیلات خارج تماس بگیرید.



جبهه‌رهای بخش‌سازدینستی، می‌خواهد یک اپوزیسیون سازنده باشد

مصاحبه زیر توسط خبرنگار نشریه آلمانی "به پیش" متعلق به گروه دانشگاهی JUSOS (جوانان سوسیال دمکرات) با کریستیان تورس عضو کمیسیون روابط بین‌الملل سازمان جوانان ساندینستی صورت گرفته است، که خلاصه‌ای از آن به ملاحظه خوانندگان عزیز می‌رسد.

"به پیش": رئیس‌جمهور نیکاراگوا خانم ویولتا چامورو از حزب UNO پیش از انتخابات چشم اقتصادی کشور را وعده می‌داد. آیا حکومت وی تاکنون توانسته است به این هدف دست یابد؟

"تورس": اقتصاد مابکلی در هم شکسته است. ده سال تمام رکود وجود داشته و از جیب خورده‌ایم. ما دارای اقتصادی وابسته به آمریکا هستیم. حکومت ساندینستی نتوانست چیزی را بصورت درست و حسابی تکامل بخشد و بوجود آورد، چون حکومت آمریکا خواستار آن نبود. اقتصادی ویران نظیر اقتصاد ما، مانند بیمار در حال احتضاری است که از این لحظه تا لحظه دیگر می‌توان نگهدارنده بود و نه از امروز تا به فردا. این امر بستگی به معالجه آن دارد. اگر ایالات متحده آمریکا تعهداتی را که پیش از انتخابات در برابر ویولتا چامورو پذیرا شده بود برآورده می‌ساخت، شاید حکومت وی می‌توانست برنامه اقتصادی‌اش را به اجرا درآورد. با سرمایه - وعده داده شده احتمال داشت که UNO کاری بتواند انجام دهد. اما از پول خبری نشد و وعده‌های انتخاباتی UNO جامه عمل نپوشید. تاکنون فقط متخصصین بانک بین‌المللی و صندوق بین‌المللی پول سرو کله‌شان پیدا شده که موجب محدودیت برنامه‌های اجتماعی و بیکاری بیشتر گردیده‌اند. تنها وام‌هایی با شرایط دشوار و بهره‌های بالا در اختیار مولدترین بخشهای اقتصادی، نظیر کشاورزی قرار داده می‌شود. همه محصولات به بجای نازل به بازار جهانی عرضه می‌گردند. برای مردم خودمان اما این محصولات بسیار گران شده‌اند. کلیه قیمت‌ها روز به روز افزایش می‌یابند.

"به پیش": حکومت در برابر این فرورو فاقه جدید چه توجیهی دارد؟

"تورس": آنها به دو شکل مسئله را توضیح می‌دهند. بخشی وجود بحران را با عدم پرداخت کمک مالی از سوی آمریکا توجیه می‌کنند. بخش دیگر سیاستمداران گناه را به گردن سوء مدیریت دراز مدت ساندینستی می‌اندازند. مسئله اینجاست که در حال حاضر حکومت هیچ کاری ساخته نیست. اکثر منتظر سرمایه‌های خارجی‌اند. به گمان من، اگر سرمایه‌های آمریکایی می‌آمدند، نرخ "مانفوت تورم" تا به این حد بالا نمی‌بود. پیش از پایان این هفته (هفته پایانی ماه آوریل ۹۱-م) یک

دلار برابر ۶۲ میلیون کوردوبا (یگان پولی نیکاراگوا-م) بود. نرخ تورم بالغ بر ۱۵ هزار درصد می‌شود. می‌توان تصور کرد، که این ارقام چه معنایی برای اقتصاد یک کشور دارد. تقریباً امروزه تنها در کشور بیکاری است که بچشم می‌خورد. بسیاری می‌توانند از امکان ادامه تحصیل استفاده کنند، اما این امکانات نیز کافی نیستند.

"به پیش": آیا وضعیت اقتصادی بدفرزندان خانواده‌ها اجازه تحصیل منظم در مدرسه را می‌دهد؟

"تورس": در بین اقشار مشخصی از مردم کودکان بطور سنتی از سه سالگی در تاهین درآمد خانواده مشارکت دارند. این امر هنوز هم رایج است. بخصوص در مشاغل کشاورزی کودکان باید از هشت یا نه سالگی بطور تمام وقت کار کنند. در نتیجه در مدارس روستایی و در مناطق محروم شهری دو مشکل بیشتر در رابطه با بحران اقتصادی برجسته می‌شود. خانواده‌ها نیازمند درآمد بیشتر برای تأمین توت لایموت و ادامه زندگی‌اند، همه می‌بایست بطور تمام وقت کار کنند، حتی بچه‌های کوچک. علاوه مخارج آموزشی نیز بسیار بالاست. چقدر یک دختر، یک مداد، یک جفت کفش یا لباس خوب امروز در نیکاراگوا می‌ارزد؟ بسیاری توان پرداخت آنها را ندارند. نتیجه این امر دور ماندن کودکان محروم اجتماعی از آموزش ابتدایی است.

"به پیش": موضع ساندینستی در قبال این بحران چیست؟

"تورس": در این مورد باید هر بخشی را بطور جداگانه بررسی کرد. پیش از هر چیز اتحادیه کارگران کشاورزی UNAC در جستجوی راه‌های صلح آمیز برای اختلافات ارضی با کنتراهای پیشین است. معمولاً بازگشتگان مدعی زمین‌اند، که البته هرگز از آن استفاده نمی‌کنند، بلکه آنرا بصورت بایر رها کرده یا می‌فروشند. UNAC خود رابه‌مثابه مدافع منافع کارگران کشاورزی، بدون در نظر داشت اینکه کنترا یا ساندینستی بوده‌اند بشمار می‌آورد. این اتحادیه بخاطر حق زمین برای همه کشاورزان کارزار بر راه می‌اندازد. UNAC می‌خواهد از این طریق اراده ملی خلق را متجلی سازد.

تنها ادعاهای ارضی زمینداران بزرگ سابق وابسته به "گارد ملی" سوموزا مانند شبکه‌ای بدون ته می‌ماند. آنها ادعای ارضی نسبت به هزاران مازاناس (واحد زمین معادل یک آریا ۱۰۰ متر مربع) در نیکاراگوا دارند. اما متأسفانه زمینداران بزرگ دارای بهترین مناسبات با حکومت‌اند. من فکر می‌کنم، همه کنتراهای پیشین می‌توانستند بدون

کمترین نگرانی و دغدغه خاطر نغری ۲ مازاناس زمین کشاورزی بدست آورند و از قبل آن زندگی کنند.

سایر اتحادیه‌های توده‌ای ساندینستی نیز بخاطر آن موجودند که در جهت منافع گروه‌های اجتماعی ویژه مورد نظرشان مبارزه کنند. سازمان‌هایی نظیر اتحادیه معلمان ANDEN، جوانان ساندینستی، یا اتحادیه سندیکاها CST گر چه ساندینستی‌اند، اما خود اتکاف مستقل از FSLN هستند.

"به پیش": آیا خیلی‌ها از این که به UNO رای داده‌اند پشیمان‌اند؟ اگر امروز انتخابات برگزار شود آیا FSLN پیروز خواهد شد؟

"تورس": به گمان من حکومت از نتیجه تلاش‌های صلح آمیز خود آگاه است. ما اکنون دیگر هر روز مانند سابق تلفات نداریم. من فکر می‌کنم که هنوز هم بخش بزرگی از مردم آرزو می‌کنند که حکومت امکان حکومت کردن داشته باشد، که بازسازی اقتصادی آغاز شود. بتازگی شعاری را روی دیواری دیدم مبنی بر اینکه "قبلاً ما جوانان ۱۷ ساله خود را در جنگ از دست می‌دادیم، امروز آنها مادر این شرایط صلح حتی ۷ ماهه هم نمی‌شوند. و حقیقت نیز آنست که مرگ و میر کودکان بعد از تغییر حکومت بشدت افزایش یافته است.

FSLN می‌خواهد که اپوزیسیون سازنده باشد. این جبهه جویای قدرت بخاطر خود قدرت نیست، بلکه می‌خواهد به تحقق یافتن پروژه‌ای ملی یاری رساند. اگر مردم FSLN را به صفا اپوزیسیون می‌راند، می‌بایست در آنجا نیز کار و تلاش کند. من بر این عقیده‌ام که FSLN مسئولیت بزرگی بر عهده دارد و می‌بایست برنامه‌های خود را تا انتخابات آینده به پیش برد. انتخابات به تنهایی نمی‌تواند برای ما راه حل باشد. هر که در انتخابات پیروز شود نیز، نمی‌تواند راه حل سراسری هر ضه نماید، همه چیز بسته به آنست که ما نیکاراگویی‌ها متحد باشیم و همکاری داشته باشیم. هر یک کلبه مجادلات ایدئولوژیک همه ما به مثابه نیکاراگویی همبسته‌ایم. بنابر این حتی یک پیروزی انتخاباتی برای ساندینستی نمی‌تواند امروز راه حلی برای مشکلات کشور باشد.

"به پیش": اما آیا در این مورد ناسیونالیسم به مثابه داروی دردناک مطرح نمی‌شود؟

"تورس": خیر، اما خلق نیکاراگوا به معنای مشخصی ناسیونالیست است. در اینجا یک اراده ملی غیر قابل تصور برای امر صلح وجود دارد. همه ما این نکته را شرم‌آور و دردناک می‌دانیم که ما در جهان تنها به این صورت مطرح باشیم که یکدیگر را بقتل می‌رسانیم. ما می‌خواهیم که همه با هم

کشورمان را بسازیم و مجدداً اعتبار خود را بدست آوریم. در طی بیش از ده سال حکومت ساندینستی صفحات خوبی نیز وجود داشته است. اما ما متوجه شده‌ایم که در دنیای امروز همه مسایل بوسیله کسب قدرت سیاسی قابل حل نیستند. برای ما اکنون تفاوتی ایدئولوژیک با سوسیال دمکراتها، کمونیستها یا دمکرات مسیحی‌ها بیش از این دیگر نقش مهمی بازی نمی‌کنند. البته روشن است که بر اساس تجارب مان ما مناسبات خوبی با سوسیال دمکراتها داریم و در این راه تلاش می‌کنیم، بویژه ما اتحادیه جوانان ساندینستی

"به پیش": پدر پایان یک نکته دیگر در اروپا برای سال ۱۹۹۲، پانصدمین سالگرد ورود کولومب به آمریکا تدارک دیده می‌شود. شما این مسئله را در نیکاراگوا چگونه می‌بینید و ارزیابی می‌کنید؟

"تورس": طبیعتاً اینجا مسئله بر سرتاقتاتی است که مدتهای مدیدی از آنها می‌گذرد. در این مورد نظریات متفاوتی مطرح‌اند. از یک لحاظ این امر آغاز فارت منابع ما بود. وقتی در رم یا هر جای دیگر به کلیسا بروید، در آنجا دیوارها و سقفهای را می‌بینید که با طلا و نقره آمیزین شده‌اند. همه جای دنیا طلائی را که آنها از معادن آمریکایی استخراج و ربوده‌اند، مشاهده می‌شود. واروپاییها از این امر کمال سو استفاده را کردند. همه‌امالی که آنها در برابر ما مرتکب شده‌اند، گواه از رفتاری نابرابرند. امروزه دیگر تعداد زیادی از ساکنان اصلی بومی باقی نمانده‌اند. خونهای فراوانی ریخته شده است. چه تعداد از آنها امروز در ایالات متحده، مکزیکو، گواتمالا، نیکاراگوا، کستاریکا، پرو و اکوادور زندگی می‌کنند؟ تقریباً هیچ.

بنابر این سالگرد این رویداد در کشورهای پیشرفته نیز باید لحظه‌ای و فرضی برای اندیشه و تفکر باشد، هر چند این پدیده متعلق به گذشته بنظر می‌رسد. داستانی نیز در این مورد وجود دارد که یک سرخپوست بومی در شیلی، هنگام بازگشت از مدرسه، میسیونرها پر خاشاکان به یک اسپانیایی می‌گوید: "شماها همه مواد خام ما را به تاراج برده‌اید، خلقهای ما را سرکوب نموده‌اید، به زنان مان تجاوز کرده‌اید، اما هنوز هم کذب و ریادر مورد این مسایل بخورد ما می‌دهید".

البته ما نمی‌خواهیم ضد اروپایی باشیم، اما می‌توانستیم امروز بسیار آگاه تر در مورد این موضوعات باشیم. نمی‌توانیم اروپا را کتون بر سر و رویش بکوبد، بلکه بهتر است نسبت به مسئولیتی که در مورد پایان بخشیدن به رشد نیافتگی بعهده دارد، آگاه گردد.

ترجمه از اسبزرگمهر

"قانون" به اصطلاح بین‌المللی "هدم" تغییر جغرافیای سیاسی نیز در مواردی نه تنها مشکل گشای خلق‌هایا ملی نگردیده است، بلکه همواره به‌عنوان عاملی بازدارنده و در جهت تشویق کشور، هراس و دلخیزه عمل کرده و فکالت و بدبختی بیشتری را برای این مناطق به ارمغان آورده است. در دنیای نوین امروزی، مبارزات مردمی در یوگسلاوی و جمهوری‌های بالتیک در شوروی از جمله نمونه‌های این مسائل می‌باشند. باید در نظر داشت که انجام هر نوع اقدامی زیر لوی "ترمز سیاسی" که در قالب سنتی، شوونیستی و حتی ملی‌گرایی معتدل، یا شعار حفظ تمامیت ارضی کشور، جلوگیری از تجزیه و... گردد، در نهایت به ضرر ساکنین آن مناطق و همسایگانشان خواهد بود. ایران خودمان ببینید که چگونه کلیه استان‌های مبارز آن در قفس حبس گردیده‌اند! اکثر همواره شعار هم‌باری، هم‌گامی و... راسر داده‌ایم بدون اینکه دریابیم، که نخست باید این نفس‌ها را از گردنیم و بعد خود برداشته و آزاد گردیم و بعد به همراه وبه طور آزادانه به پروازی جهانی ببیندیم. بنیه در صفحه ۸

بخشی از ایران خواهد شد یا شوروی و یا اینکه خود مستقل از هر دومی باشد و اینکه کردستان مال ایران، ترکیه، سوریه و باهراق خواهد بود، یا اینکه کشوری جدید و مستقل، و نیز ترکمن صحرا و سیستان و بلوچستان جدید در کدام طرف خواهند بود، مستقلند یا زیرچتر یکی از کشورها، همگی در پروسه زمانی و برای مردم خود این مناطق مشخص خواهند گردید و نه با خط مشی یا دستور و تصمیم‌گیری ما که "همسایگی" با آنان قرار خواهیم گرفت! با جمع‌بندی مطالب ذکر شده در بالا، اینبار باید خیلی رک و پوست‌کنده گفت که هر حرکتی سیاسی و محلی که در مسیر مسائل ملی در این ۴ منطقه از ایران انجام پذیرد، بیشتر در جهت رسیدن به خواسته‌هایشان یعنی الحاق مجدد خاک جدا شده‌شان می‌باشد. لذا تا جاتی، تجزیه طلب، آلت دست این یان کشور قرار گرفته، خائنین به ایران و... نامیدن این مبارزین، همانا برخوردی شاهی - شیخی و یا سنتی با این مسائل خواهد بود. گفتنی است که هدف اصلی اکثر فلاسفه و ادیان همانا خوشبخت نمودن و رفاه بخشیدن به انساناست و اخیراً نیز با

باخوانندگان

حق تعیین سرنوشت در لفافه خط‌مشی سیاسی!

برده مبارزین این دیار است و بس! ترکمن صحرا نیز در آرزوی اتمام با مناطقی مشابه در خاک شوروی است و بالاخره سیستان و بلوچستان نیز در رویای یکی شدن با مناطق هم‌نامی از پاکستان است. حال اگر باز برگردیم به تضایب خودمختاری و... تا استقلال مقاله فدرالیسم مسئله ایران نیست، باید اضافه کنیم که انجمن‌های ایالتی و ولایتی می‌توانند جوابگوی قسمت‌هایی از ایران باشند ولی در مورد ۴ بخش آذری، بلوچ، ترکمن و کرد خاک ایران، ابتدا باید همه چیز به دست اهالی و با اعطای "کامل" حق تعیین سرنوشت سپرده شود و بعد بدون اعمال هیچگونه دخالتی در امور داخلی آنان، تسلیم تصمیم نهایی آنان، از خودمختاری گرفته تا جدایی‌گامشان از خاک ایران گردید. حال آذربایجان متحد

••• ساکنین کشور ما ایران از افرادی تشکیل می‌یابند که اکثر از یک تیره نژادی بوده، از مشترکی برخوردارند و فرهنگ آنان نیز تقریباً مشابه هم است و تنها تفاوت، اختلاف زبان در برخی از نواحی می‌باشد. اختلافات "آبکی" از قبیل سلیقه‌های متفاوت در لباس، غذاهای محلی، آداب و معاشرت اقلیمی، آب و هوا یا درشتی یا قلمی بودن، سنتی یا فیوریشان، سفید یا سبزه بودنشان و... نقطه "خط‌چین" هائی بیشتر در بین ما نیستند و در کل مواردی می‌باشند که در بین سایر رده‌های انسانی در سراسر جهان نیز به چشم می‌خورند. حال اگر بدون تعارف مبارزات خلق‌های ذکر شده را بدون هیچ پیچ و تاب بررسی نمائیم و لقمه را در

سرسختی اسرائیل در برابر تلاش های آمریکا و شوروی



برای بزرگداشت قربانیان جنگ دوم جهانی، در چهل و نهمین سالگرد پیروزی بر فاشیسم و پایان این فاجعه تاریخی، مراسمی در مسکو برگزار شد. این جشن "روز پیروزی" نام داشت.

پتیه از صفحه اول

مطبوعات اسرائیل گزارشی منتشر کرده اند که طبق آن، آمریکا می خواهد در صورت عدم توافق اسرائیل و سوریه بر سر شرایط انجام مذاکرات صلح، یک "کنفرانس کوچک" بدون شرکت سوریه برگزار کند.

ملک حسین پادشاه اردن در گفتگو با بیکرموانقت کرد که کشورش و فلسطینی ها هیات مشترکی برای شرکت در کنفرانس صلح تشکیل دهند. هنوز معلوم نیست نمایندگان فلسطینی این هیات را سازمان آزادیبخش فلسطین تعیین خواهد کرد یا نه.

الکساندر بسمرتنیخ وزیر خارجه شوروی در پایان دیدارش از خاورمیانه که طی آن برای نخستین بار به اسرائیل نیز سفر کرد، اظهار داشت تلاشها برای صلح هنوز باید مدتی ادامه یابد. بسمرتنیخ هفته گذشته در ژنو با یاسر عرفات رهبر ساف دیدار کرد. موضوع مذاکرات بسمرتنیخ و عرفات نحوه شرکت فلسطینی ها در کنفرانس صلح بود. ساف خواهان شرکت یک هیات

مستقل فلسطینی در چنین کنفرانسی است. همچنین به عقیده ساف این کنفرانس باید دارای اختیارات واقعی باشد و بر مبنای قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل تصمیماتی اتخاذ کند. این قطعنامه ها مقرر می دارند که اسرائیل مناطق اشغالی را تخلیه کند.

بیکر و بسمرتنیخ روز یکشنبه ۲۲ اردیبهشت در قاهره با یکدیگر ملاقات کردند. پس از این مذاکرات، دو طرف اظهار داشتند میان آمریکا و شوروی در مورد رئوس طرح صلح خاورمیانه توافق وجود دارد. بیکر اظهار داشت "نکات مورد توافق بیش از نکات مورد اختلاف است".

سوریه و اسرائیل متقابلاً یکدیگر را به سرسختی در برابر تلاشهای صلح متهم می کنند. در حالیکه روزنامه البعث ارگان حزب حاکم سوریه نوشت اسرائیل از تلاشهای صلح تنهادر جهت منافع خود بهره برداری می کند، وزرای کابینه شامیر در چند موضع گیری گفتند حافظ اسد با پافشاری بر مواضعش مانع توافق شده است.

اسحاق شامیر هفته گذشته تاکید کرد اسرائیل حاضر نیست از حتی یک قطعه کوچک از سرزمین های اشغالی عقب نشینی کند. عکسهای این کنفرانس باید دارای اختیارات واقعی باشد و بر مبنای قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل تصمیماتی اتخاذ کند. این قطعنامه ها مقرر می دارند که اسرائیل مناطق اشغالی را تخلیه کند.

انتخابات پیش رس در هند

در آن زمان پیش بینی می شد که هدف راجیو گاندی و حزب کنگره او از کمک به چاندرا شکار، سرنگون کردن او در لحظه مناسب است. لحظه مناسب از نظر حزب کنگره زمانی است که فضای سیاسی، حاکی از افزایش آرای این حزب باشد.

ناظران بر این عقیده اند که احتمال دستیابی یک حزب به اکثریت آراء، ضعیف است. تنها راهی که در صورت اکثریت نیافتن یک حزب در برابر این کشور باقی می ماند، یک دولت ائتلافی حتی الامکان گسترده است.

همانگونه که پیش بینی می شد، در هند دولت اقلیت چاندرا شکار دوام نیاورد و در روزهای ۲۰، ۲۳ و ۲۶ ماه مه، انتخابات پیش رس پارلمان این کشور برگزار می شود.

در دسامبر ۱۹۸۹، ویشوامت پراتاپ (وی. پی.) سینگ به جای راجیو گاندی که در انتخابات شکست خورده بود، دولت خود را تشکیل داد. اما دولت سینگ یازده ماه بعد اکثریت خود را در پارلمان از دست داد. به جای سینگ، چاندرا شکار با حمایت اولیه حزب کنگره گاندی به حکومت رسید.

کنگره حزب کمونیست آلمان

در این باره دشوار است زیرا کمک مالی حزب سوسیالیست متحد، توسط شخص ارایش هونکر وبدون دخالت دفتر سیاسی حزب صورت می گرفت. از این رو، اسنادی در این باره یافته نشده است. با این حال، گزارش کمیسیون حاکی از وابستگی تقریباً کامل حزب به کمک های آلمان شرقی است. گزارش در همین حال تاکید می کند از این کمک مالی نمی توان عدم استقلال سیاسی حزب کمونیست آلمان را نتیجه گرفت، زیرا برای این امر دلیل قانع کننده ای یافته نشده است.

آینده تاریخ، مبارزه طبقاتی را نیروی محرکه اصلی آن و طبقه کارگر را نیروی اجتماعی اصلی برای پیشرفت اجتماعی بداند. قرار است محتوای هویت جدید کمونیستی حزب در یک برنامه و یک اساسنامه که به کنگره آینده ارائه خواهد شد، تدوین گردد. در کنگره، گزارش کمیسیون تحقیق پیرامون وابستگی سیاسی و مالی حزب کمونیست آلمان به حزب سوسیالیست متحد آلمان (حزب حاکم سابق آلمان شرقی) ارائه شد. این کمیسیون در گزارش خود تاکید کرد امر تحقیق

یازدهمین کنگره حزب کمونیست آلمان در روزهای دهم تا دوازدهم ماه مه برگزار شد. در این کنگره ۳۰۰ نماینده شرکت داشتند. کنگره، چهار سخنگوی حزب و هیات رهبری را در مقام خود ابقا کرد. موضوعات مورد بحث در کنگره عبارت بود از: رابطه حزب با حزب سوسیالیسم دمکراتیک، گسترش تشکیلات حزب به شرق آلمان و رابطه با سایر گروه های چپ. حول این موضوعات، مباحثات بقدری شدید بود که در پایان روز دوم کنگره، انشعاب در حزب محتمل می نمود. با این حال، اکثریت کنگره بدین حکم رای داد که "در آلمان واحد کاپیتالیستی نیز وجود یک حزب کمونیست ضروری است".

نخست وزیر جدید فرانسه

در فرانسه نوعی تقسیم کار میان رئیس جمهور و نخست وزیر وجود دارد. در حالی که رئیس جمهور سیاست خارجی و سیاست دفاعی را تعیین می کند، نخست وزیر دارای اختیارات در همه صحنه سیاست داخلی است.

نخست وزیر جدید فرانسه ۵۷ سال دارد. او در نخستین کابینه دوره زمامداری میتران به مدت دو سال وزیر کشاورزی بود. کرسون سپس وزارت بازرگانی خارجی و سیاحت و وزارت امور اروپا را بر عهده گرفت. در اکتبر سال ۱۹۹۰، کرسون به علت اختلافاتش با روکاراز کابینه استعفا داد و به کار در بخش خصوصی پرداخت. کرسون مدافع دشوارتر کردن حضور ژاپن در بازار اروپا از طریق ایجاد موانع از سوی بازار مشترک است. انتظار می رود اکثر وزاری دولت روکار در کابینه کرسون نیز حضور داشته باشند. تنهادر مورد وزیر اقتصاد و دارای تردیدهایی وجود دارد.

میشل روکار نخست وزیر فرانسه که سه سال این سمت را بر عهده داشت، از مقام خود کناره گیری کرد. فرانسوا میتران رئیس جمهور به جای روکار، ادیت کرسون را به نخست وزیری منصوب نمود. با انتخاب کرسون به نخست وزیری، برای نخستین بار یک زن ریاست دولت فرانسه را بر عهده می گیرد. کرسون در گذشته وزیر کشاورزی و وزیر امور اروپا بوده است.

گفته می شود سیاست مالی و اقتصادی راستگرایانه روکار مورد انتقاد میتران قرار گرفته است. حزب سوسیالیست فرانسه در پارلمان اکثریت مطلق ندارد و برای تصویب لوایح، نیازمند آرای ازیجه احزاب راستگراست. اخیراً چند لایحه دولت در پارلمان با مخالفت روبرو شد. علاوه بر این، حزب سوسیالیست بخاطر رسوایی های مالی مورد انتقاد قرار داشته است.

یوگسلاوی بدون رئیس جمهور است

یوگسلاوی، دوستان خود مختار صربستان، و ویودینا و کوسوو نیز هر کدام یک نماینده در این شور دارند. نمایندگان کرواسی، سلوونی، مقدونیه و بوسنی هر تسکوینا به ریاست جمهوری مزید رای مثبت دادند. در مقابل، سه نماینده صربستان با انتخاب مزید مخالفت کردند. نماینده مونتنگرو در رای گیری شرکت نکرد. از آنجا که مزید برای انتخاب شدن به حداقل پنج رای نیاز داشت، این انتخاب صورت نگرفت. نه قانون اساسی و نه آئین نامه شورای ریاست جمهوری، پیش بینی خاصی در مورد روال کار در صورت عدم توافق بر سر ریاست شورانکرده اند.

بحران سیاسی یوگسلاوی وارد مرحله جدیدی شد. روز چهارشنبه ۲۵ اردیبهشت قرار بود طبق روال پیش بینی شده، ریاست شورای ریاست جمهوری یوگسلاوی که از نمایندگان جمهوری ها تشکیل شده است، بر عهده استپان مزید نماینده کرواسی قرار گیرد. اما وی اکثریت لازم را کسب نکرد. با پایان دوره یک ساله ریاست بوریساو یوویچ نماینده صربستان، اکنون یوگسلاوی بدون رئیس جمهور است.

شورای ریاست جمهوری یوگسلاوی هشت عضو دارد. علاوه بر شش جمهوری

نخستین انتخابات آزاد در نیال

یازده میلیون نفر از مردم نیال برای دادن رای واجد شرایط بودند که دو سوم آنها در انتخابات شرکت کردند. به گزارش کمیسیون نظارت بر انتخابات، رای گیری آرام تر از انتظار برگزار شد. باین حال به علت درگیری های پراکنده، ۲۵ تن مجروح شدند. در ۱۵ حوزه از ۲۰۵ حوزه انتخابات، رای گیری باید تجدید شود. گزارش هایی حاکی است درگیری ها در روز انتخابات، ۹ کشته نیز بر جای گذاشته است.

در نخستین انتخابات آزاد پارلمان کشور پادشاهی نیال پس از ۳۲ سال، جبهه متحد چپ به پیروزی رسید. با آرای نخست وزیر نیال پس از آنکه شمارش آراء در کاتماندو پایتخت این کشور همالایا نشان داد که وی کرسی خود را در پارلمان از دست خواهد داد و یک کاندیدی چپ نماینده خواهد شد، از پست نخست وزیری کناره گیری کرد. به گزارش روبرو، شمارش آرای نخستین حوزه های رای گیری نشان می دهد که نامزدهای جبهه چپ از کاندیداهای حزب حاکم کنگره و حزب

برای اشتراک نشریه "کار" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراک، تمبر پستی و یار سید بانکی پرداخت بهای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمایید.

| | | | | |
|-------------------------|-------|---------|----------|----------|
| دیگر نقاط | اروپا | سه ماهه | ۳۲ مارک | ۳۹ مارک |
| بهای اشتراک نشریه "کار" | | شش ماهه | ۶۲ مارک | ۷۶ مارک |
| | | یک ساله | ۱۲۰ مارک | ۱۵۰ مارک |

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید):

| | |
|---|--|
| KAR Vol.3 No. 7 Wed. 22 MAI 1991 | ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) |
| | حساب بانکی: M.ABD NR-35263011 کدبانک: 37050198 Stadtparkasse Köln GERMANY |
| Address: : آدرس: RUZBEH POSTFACH 1810 5100 AACHEN GERMANY | پیگیرانه ضد سرمایه داری باشد، ... هدف گسستن از مناسبات مالکیت انحصاری سرمایه داری را پیش رو قرار دهد، ... سوسیالیسم را |